

عنوان :

عوامل موثر در اشتغال و بیکاری

در جامعه ایران

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صفحه	عنوان
۵-۶	مقدمه
۷-۸	اشتغال و بیکاری و کشورهای در حال توسعه
۹-۱۲	تعریف بیکاری و انواع آن
۱۲	ضرورت نگرش نو به مفهوم اشتغال
۱۲-۱۵	ابهام ذهنی بودن مفهوم کنونی اشتغال
۱۵-۱۶	نتایج ابهام مفهوم اشتغال
۱۶-۱۸	نگرشی به مفهوم جدید اشتغال
۱۸-۲۰	عوامل موثر بر آرزوهای شغلی
	آموزش و اشتغال
۲۱	چالشهای اشتغال فارغ التحصیلان کشور
۲۲-۳۵	تحولات اشتغال بر اساس تخصص
۳۶-۳۸	توزیع شاغلان در سال ۱۳۷۵ به تفکیک سطوح تحصیلی
۳۸-۴۳	مسائل اشتغال زنان در ایران
۴۴-۴۶	نظریه های تفاوت اشتغال زنان و مردان
۴۷	سهم زنان در اشتغال ایران
۴۸-۵۳	علل بیکاری
۵۴-۵۷	آسیب های ناشی از عدم وجود شغل

۶۱-۶۶

تحولات بیکاری

۶۷-۶۸

وضعیت فعلی اشتغال و بیکاری در کشور

۶۹

بیکاری در استان یزد

۷۰-۱۱۶

بررسی و تحلیل روند تغییرات نرخ فعالیت و بیکاری استان طی دوره ۸۱ - ۱۳۷۵

یکی از مهمترین مباحث در کشورهای در حال توسعه توسعه یافته و یا جوامع بشری جهان امروز مسئله مبادرت ورزیدن به کاری مفید و سازنده برای افراد آن جامعه است. شغل مرتبط با تواناییها و استعداد های ذاتی هر فرد امری است که هر شخص لزوماً با آن در زندگی روزمره اش مواجه خواهد شد.

اما مشکل زمانی به وجود میاید که فرد شغل دلخواه خود را پیدا نکند و به او لفظ بیکار تعلق گیرد. بیکاری یکی از معضلات کشورهای توسعه نیافته از جمله ایران می باشد.

بدون شک در همه کشورها مسئله اشتغال از مهمترین اهداف برنامه ریزیهای توسعه به شمار میرود بطوریکه می توان گفت هیچ برنامه ای بدون توجه به مسئله اشتغال نمی تواند نتیجه مطمئنی را به همراه داشته باشد. اصولاً ایجاد اشتغال و حل مسئله بیکاری بهترین پشتوانه برای اجرا و پیشبرد دیگر اهداف برنامه ریزیها به حساب می آید و معمولاً دولتها و نظامهایی در برنامه های خود موفق تر خواهند بود که بتوانند مسئله اشتغال را به خوبی حل و فصل کنند چرا که افراد بدون داشتن شغل و درآمد فرصتی برای پرداختن به دیگر مسائل نخواهند داشت.

امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی و تغییرات جمعیتی از جمله افزایش جمعیت تحصیل کرده ، مسئله اشتغال به یک مسئله کاملاً تخصصی تبدیل شده و نظامهای سیاسی و اقتصادی را با چالشهای جدید و جدی روبرو ساخته است. بطوریکه در اکثر کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران این مسئله بصورت یک معضل بزرگ و اساسی درآمده است.

عوامل متعددی روی مسنده اسعان نابیر ندار بوده ویا ار ان نابیر می پذیرند.داسس

فرصتهای شغلی مناسب نیازمند اقتصادی پویا و کارآمد، زیر ساختهای مناسب، سیستم آموزشی کارآمد، اشاعه فرهنگ کارو... می باشد.

ضمن آنکه نمی توان از عواملی همچون مسائل بین المللی، جریانهای سیاسی، اعتقادات و مسائل فرهنگی بر روی آن چشم پوشی نمود همچنین نمی توان مسئله اشتغال را تنها به دولت محصور و محدود نمود بلکه حل معضل بیکاری نیازمند عزم ملی در ابعاد مختلف می باشد.

در این تحقیق سعی شده عوامل اشتغال و بیکاری به خصوص قشر تحصیل کرده در کشور مورد بررسی قرار بگیرد، سپس در قسمت آخر اشتغال و بیکاری در استان یزد توسط مقاله ای که سازمان مدیریت در اختیار ما گذاشته مورد بررسی قرار گرفته است.

*** همچنین لازم به ذکر است که آمار و اطلاعات مربوط به سال ۷۵ میباشد، چون هنوز نتایج سرشماری سال ۸۵ نیامده است.**

اسعال و بیکاری و سوره‌های در حال توسعه :

امروزه بیکاری و اشتغال ناقص ، به یکی از معضلات بزرگ جوامع تبدیل گردیده بگونه ای که حتی کشورهای پیشرفته صنعتی نیز که انتظار می رفت به وضعیت اشتغال کامل نزدیک شده باشند ، اکنون گرفتار بحران بیکاری کم سابقه ای شده اند. برای کشورهای در حال توسعه که اکثریت نیروی کارگری جهان در آنها بسر می برند مسائل حل نشدنی اشتغال هر روز پیچیده ترمی شود. این کشورها بدلیل مشکلات عدیده ای همچون رکود جهانی، کاهش زیادمخارج عمومی، وامها و بدهیهای بزرگ و... مرتباً از هدف اشتغال کامل، مولد و آزاد دورگشته اند بطوری که تدریجاً این هدف جزء رویاهای این کشورها بشمار خواهد آمد. امروزه بیش از هر زمان دیگر، وابستگی بین کشورها در مقوله اشتغال و درآمد حاصل از آن مشهود است بگونه ای که هر کشوری که بکوشد تا مسائل داخلی اشتغال خود را بی توجه به ابعاد بین المللی سیاستهای خویش حل کند نه تنها موفق نبوده بلکه در دراز مدت ، آینده اشتغال کشور خویش نیز به خطر خواهد انداخت . به اعتقاد اکثر کارشناسان ضرورت دارد همه کشورها ، چه غنی و چه فقیر برای استفاده از امکانات و منافع آینده محیط اقتصادی ، خود را با محیط متحول اقتصاد بین الملل سازگار نمایند (کیاوند، ۱۳۶۵ : ۹ تا ۳۳)

تجربه نشان داده است که نمی توان انتظار داشت فقط با اتکا به رشد اقتصادی ، تمام مشکلات مربوط به اشتغال و بیکاری را حل نمود. بلکه برای ریشه کن ساختن این بیماری مزمن ، که عوامل نامرئی آن دارای ریشه های ژرف می باشد ، بایست تمام امکانات مادی و معنوی داخل کشور را بسیج نموده و از ظرفیتهای بین المللی نیز نهایت استفاده را برد.

مسئله استعاض در کشورهای درحال توسعه نسره ای از مسائل مربوط با یحدیحر را نسحیل

داده که برخی از آنها حادثرند و برخی کمتر حادثند واین معضل ، بس فراتر از آن چیزی است که به

عنوان بیکاری آشکار می شناسیم.

جنبه عمده بیکاری درکشورهای درحال توسعه از جمله ایران ، تمرکز آن در میان جوانان و

دانش آموخته ها ست . آمارها نشان می دهد که میزان بیکاری آشکار درمیان افراد ۱۵ تا ۲۴ ساله ، دو

و حتی بیش از دو برابر میزان بیکاری آشکار در میان کل نیروی کار است این در حالی است که در

کشورهای صنعتی ، بیکاری در میان افراد مسن تمرکز داشته ودر میان افراد جوان تقریبا نا چیز بوده

است تمرکز بیکاری در میان گروههای سنی جوان درکشورهای درحال توسعه تا حدودی منعکس

کننده تعداد نامتناسب افراد جوان درکل جمعیت است که این مسئله به نوبه خود نتیجه نرخهای

سریع رشد جمعیت و نیروی کار می باشد. ازطرفی نسبت بالای جوانان در میان بیکاران نمایانگر

گسترش سریع آموزش نیز می باشد ، چنانکه هر ساله تعداد بیشتری از تحصیل کرده ها را به

جستجوی مشاغل مزدو حقوق بگیری در شهرها تشویق می کند و معمولا نیز فرصتهای شغلی

موجود برای این خیل عظیم جمعیت ، کافی نیست (خزاعی، ۱۷:۱۳۶۸ تا ۲۱)

بهر حال ، عوامل متعدد و گوناگونی دست در دست هم داده اند تا مسئله بیکاری به یک

معضل بزرگ برای کشورهای درحال توسعه تبدیل شود و آنها را با چالشهای جدی و اساسی در

هزاره سوم روبرو سازد به نحوی که اگر برای حل آن چاره اندیشی نگردد موجب اضمحلال و

نابودی آنها خواهد گشت.

– تعریف بیکاری و انواع آن:

عموما در اقتصاد به کسی بیکار اطلاق می شود که سه ویژگی زیر در مورد او صدق نماید:

۱- شرایط کار داشته باشد. (در سن کار قرار داشته و شرایط احراز کار را داشته باشد)

۲- به دنبال کار باشد. (در جستجوی شغل باشد)

۳- کار پیدا نکند.

در آمارگیری نیز بیکار به فردی اطلاق می شود که از هفت روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری، آماده

برای کار و در جستجوی یافتن شغل بوده، ولی شغلی پیدا نکرده باشد.

معمولا بیکاری دارای دسته بندی ها و طبقه بندیهای متفاوت و گوناگونی است که از آن جمله می توان به

موارد زیر اشاره نمود:

– بیکاری آشکار: در اقتصاد اگر افراد دارای شرایط کار در جستجوی شغل باشند ولی برای آنها

کاری پیدا نشود آنگاه بیکاری آشکار خواهیم داشت.

– بیکاری پنهان: در اقتصاد هرگاه با حذف تعدادی شغل هیچ گونه تغییری در تولید ایجاد

نشود

آنگاه گفته می شود که بیکاری پنهان وجود دارد. محاسبه و اندازه گیری این نوع بیکاری بنابر

ماهیت آن کار بسیار مشکلی به نظر می رسد. در کشورهای در حال توسعه علاوه بر بیکاری

آشکار،

بیکاری پنهان نیز یکی از مباحث عمده اشتغال و حتی تولید بشمار می آید چرا که وجود

بیکاری پنهان به افزایش قیمت تمام شده کالا و خدمات منجر می گردد.

- نم ساری پنهان . نم ساری پنهان بدان مفهوم است که اثر تعداد ساعات

کار مربوط به شغلی کاهش یابد ، هیچ گونه تغییری در تولید و محصول ایجاد نشود . وجود بیشتر از نیروی کار موجود در ساعات طولانی تر مورد تشویق قرار می دهد و همچنین وجود کارکنان خویش فرما و مستقل که ساعات طولانی را به حساب خود کار می کنند و دلایل متعدد دیگر سبب محدودیت کم کاری پنهان در اکثر مشاغل و تا حدودی افزایش بیکاری آشکار شده است .
(خزاعی، ۱۳۶۸: ۵۴ و ۵۵)

- بیکاری طبیعی : در اقتصاد اگر به اندازه کل نیروی کار فرصت شغلی وجود داشته باشد باز هم امکان اشتغال همه افراد وجود ندارد و به عبارتی نرخ بیکاری صفر امکان پذیر نخواهد بود. زیرا به دلیل فقدان اطلاعات کامل از بازار کار برای نیروی کار و کار فرما ، هزینه بالای کسب اطلاعات بویژه برای تازه واردان به بازار کار ، عدم تمایل به کار در میان عده ای از نیروی کار و... همواره تعدادی بیکار وجود خواهند داشت. هر گاه تعداد مشاغل خالی با تعداد افراد بیکار جامعه برابر باشد آنگاه اشتغال کامل برقرار خواهد شد. بیکاری متناسب با اشتغال کامل را بیکاری طبیعی می نامند. (همان: ۵۵)

- بیکاری اصطکاکی : بیکاری اصطکاکی نوعی بیکاری است که در نتیجه تغییر شغل بوجود می آید. این نوع بیکاری در فاصله زمانی از دست دادن کار قبلی تا پیدا کردن شغل جدید بوجود می پیوندد و اندازه بیکاری اصطکاکی از نظر تعداد بیکاران و مدت بیکاری بستگی به سن ، جنسیت، حرفه و ترکیب نژادی دارد و از نظر فردی به هزینه و منافع حاصل از تغییر شغل وابسته است. شاید بتوان گفت این نوع بیکاری ارتباط کمتری با اقتصاد و سیاست گذاری اقتصادی دارد. بیکاری اصطکاکی جزئی از بیکاری طبیعی محسوب می گردد و می توان با افزایش اطلاعات مربوط به فرصتهای شغلی آن را به حداقل ممکن کاهش داد. (فرجی ، ۱۳۷۵: ۹۸)

- بیکاری ادواری. به بیکاری حاصل از نوسانات اقتصادی و سیکل‌های تجاری، بیکاری ادواری

گفته می‌شود. بیکاری ادواری معمولاً در شرایط رکود اقتصادی بوقوع می‌پیوندد و در چنین مواقعی کارفرمایان استخدام را متوقف و در مواردی اقدام به اخراج کارگران می‌نمایند. در بیکاری ادواری تغییر شغل ارادی نیست، زیرا در شرایط رکود، علت بیکاری از بین رفتن شغل و فقدان کار تازه است. (فرجی، ۱۳۷۵: ۹)

افزایش تقاضای کل (از طریق افزایش مخارج عمومی، کاهش مالیات و...) می‌تواند باعث خروج اقتصاد از رکود و در نتیجه کاهش بیکاری ادواری گردد.

- بیکاری ساختاری: عامل اصلی بیکاری ساختاری، کاهش دراز مدت و تدریجی عمر یک صنعت است. چرا که به علت افزایش هزینه تولید، تغییر رجحان مصرف‌کننده، پیشرفتهای فنی و... ممکن است برخی از صنایع از میان بروند که در نتیجه آن کارگران این صنایع به دلیل آنکه مهارت و آمادگی لازم را جهت احراز شغل‌های دیگر ندارند برای مدتی بیکار خواهند شد. در مجموع می‌توان گفت که بیکاری ساختاری، ناشی از تغییرات بنیادین در ساختار اقتصادی یک کشور است. (همان: ۱۰ و ۹).

بیکاری ساختاری نیز همانند بیکاری اصطکاکی جزئی از بیکاری طبیعی محسوب می‌گردد.

- بیکاری ارادی: اگر برای افراد بیکار دارای شرایط کار، فرصت شغلی موجود باشد اما آنها به دلایل گوناگون از جمله تمایل به یافتن موقعیتی مناسبتر، از پذیرفتن آن شغل اجتناب کنند آنگاه بیکاری ارادی وجود خواهد داشت. بیکاری ارادی در میان اشخاص ماهر و قشر تحصیلکرده بیش از سایرین رواج دارد چرا که آنها برای پیدا کردن شغل مورد نظر و متناسب با تخصصشان حاضر هستند

مدنی را بیکار بماند. از بیکاری اصصحنی می توان به عنوان نمونه ای از بیکاری ارادی نام برد.

بیکاری ارادی به عوامل متعدد و گوناگونی نظیر میزان تخصص و مهارت، نوع نگاه افراد به

کار و شغل (فرهنگ و اعتقادات)، میزان رفاه خانوارها و... بستگی دارد.

— بیکاری غیر ارادی: این بیکاری برخلاف بیکاری ارادی، از اراده و خواست افراد خارج

است و بستگی کامل به مسائل و شرایط نظام اقتصادی دارد. بیکاری ساختاری و ادواری نمونه هایی از

بیکاری غیر ارادی بحساب می آیند. (همان: ۱۰)

ضرورت نگرش نو به مفهوم اشتغال:

جهان با سرعت بی سابقه‌ای در حال دگرگونی است در این دگرگونی ترقیات فنی و سریع و شگرف، افزایش

جمعیت و تکامل رسانه های گروهی؛ از نظر مبادله اطلاعات و اندیشه ها بین انسانها، نقش عمده‌ای ایفا می کنند

نهادهای و ساختهای اقتصادی و اجتماعی نیز به نوبه خود دستخوش تطویرند و بدین جهت ایجاب می کند مفاهیم

اقتصادی و اجتماعی کنونی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند مفهوم اشتغال بیشتر از سایر مفاهیم آسیب پذیر است

(امین زاده، ۱۳۵۸: ۹۳)

ابهام ذهنی بودن مفهوم کنونی اشتغال:

تعاریف متعددی درباره اشتغال وجود دارد یکی از بهترین آنها سه جنبه یا سه بعد اشتغال توجه دارد

— مشارکت در تولید

— منبع درآمد

— ملاحظات اجتماعی و شخصی فعالیت

پیدا کردن - این سایت پیر سرگودشت است پس - پیر - بی سر - بر بهم و - سایت بهم -

و مفاهیم دیگری که از آن ناشی می شوند از قبیل اشتغال کامل ، بیکاری، و کم کاری و جمعیت فعال و نظائر آنها ، خود را برهاند .

۱- این مفهوم به طور ضمنی با سازمانهای اقتصادی و اجتماعی خاص ارتباط پیدا میکند یا ساده تر و بهتر

بگویم بیشتر در چارچوب جامعه سرمایه داری آزاد و اقتصاد بازار صادق است و به ویژه آنکه مزد و حقوق

بگیران را مورد توجه قرار می دهد در حالیکه کارکنان خانوادگی جز جمعیت فعال محسوب می شوند ولی

در محاسبه اشتغال به خاطر محدود بودن ساعات کار آنها جز جمعیت شاغلان منظور نمی شوند حضور

ساعات کار نیز به طور تصنعی و در اثر استمرار به وجود آمده است . حتی در بیشتر موارد شناخت دقیق

زمان مصرف شده برای کار و اوقاتی که برای سایر فعالیتها در یک موسسه تولیدی خانوادگی اختصاص

پیدا کرده بسیار دشوار و مشکل است به خصوص اینکه هرگاه محل اقامت و محل کار در یکجا متمرکز

شده باشد همچنین مسئله فعالیتهای خانوادگی و تمیز آن از فعالیتهای تولیدی تنها مبتنی بر یک سلسله

قراردادهای ظاهری است . معیارهایی از قبیل تعداد ساعات کار ، درآمد بهره وری ملاکهای مبهم برای تعیین

حدود اشتغال و گروههای مختلف کم کاری هستند .

حدود اشتغال در کشورهایی که دارای اقتصاد بازار نیستند بیشتر نامشخص است یکی از ابعاد شناخته شده اشتغال ،

درآمد یا مزد است که در اثر بازاری که اقتصاد به وجود می آورد تعیین می شود یا به عبارت دیگر به خاطر

تقاضای اجتماعی که در اثر مقابله عرضه و تقاضای اشتغال در قبال ارزش کاری که فرد عرضه می کند مشخص

می گردد. (همان: ۹۴)

در اقتصادی که مکانیسم بازار در آن راهی ندارد مانند اقتصاد حداقل زندگی (بخور و نمیر) یا اقتصاد

سوسیالیستی تلاشهای تولید و حق برخورداری از ثمرات آن کاملاً محدود یا اصلاً مطرح نمی باشد. به عبارت

دیگر در اقتصادی که درآمد تولید در اثر ارجحیتی که بر درآمدهای انتقالی قائل است نادیده می شود . در

اینصورت حتی مفهوم اشتغال مبهم و نارسا خواهد بود همچنین باید توجه داشت که وقتی اقتصاد به صورت

به صورت همگن مورد توجه قرار می دهند به ویژه در موقعی که حدود بیکاری تنها از راه شاخص بیکاری است که بیشتر کمیت را مطرح می سازد به دست می آید .

۴- ایجاد مسائل مبهم و غیر واقعی در اثر کاربرد مفاهیم اشتغال کامل و غیر آن در جامعه‌ی که این مفهوم در آنجا قابل انطباق نیست .

به طور مثال تعریف کلی و مبهم اشتغال (ایجاد کار برای کلیه جویندگان کار) تنها ارزش شعار دارد . حقیقتاً در مواردی که نوع کار ، خصوصیات و انتظارات جویندگان کار شناخته نشده است . پذیرفتن این چنین سیاستی در عمل بی معنی و نارسا خواهد بود . (همان: ۹۷)

– نگرشی به مفهوم جدید اشتغال :

بنابراین ضرورت دارد برای جلوگیری از نارسائی هایی که بدانها اشاره شد تدابیری اندیشید و در حل مسائل اساسی فعالیت اقتصادی انسانها گامی برداشت اشتغال فی حد ذاته نمی تواند یک هدف داشته باشد . بلکه وسیله ای است که هدفش کاربرد منابع به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای ارضاء نیازهای انسانی است قبل از هر چیز باید قبول کرد که مفهوم اشتغال نمی تواند از کار جدا باشد .

اشتغال تعبیری از نظر اجتماعی و نهادی از یک واقعیت اساسی است که می توان آن را کار توصیف کرد آنچه مهم است این است که اشتغال پدیده خاصی است که در آن کار ، نقش کار ، نقش کار و موقعیت کار در جامعه رکن اصلی را تشکیل می دهد . در اینجا این سؤال مطرح می شود که کار چیست و چگونه می توان آنرا از سایر فعالیتهای انسانی تمیز داد به نظر می رسد شاید بتوان آنرا باور خصوصیت خاص باز شناخت .

(امین زاده، ۱۳۵۸: ۹۷)

۲- طبیعت غیر مستقیم ارضاء نیازها

باید گفت این دو خصیصه کاملاً به همدیگر ارتباط دارند شاید جدائی ناپذیرند. خصوصیات اول تا حدودی جنبه روانی دارد و در اثر بیگانگی بی که کارگرممکن است از کار خود احساس کند میزان آن دچار دگرگونی گردد. بیگانگی ممکن است موقعی فزونی پیدا کند که رابطه بین مشارکت کارگر در تولید و اجرتی که از کارش به دست می آورد. (ارضاء نیازها) غیر مستقیم گردد. یا مثلاً موقعی بیگانگی مضر خواهد بود که کارگر کالای موردنیاز را خود تولید می کند (در جامعه خود مصرفی) در مواردی ممکن است بیگانگی ناچیز و محدود شود که کارگر خود صاحب کار و سرمایه است.

بنابراین باید توجه داشت که تحولات فنی که قطعه قطعه شدن کار و تکثر مراحل واسطه ای را در تولید بوجود می آورد یا به عبارت دیگر رابطه تلاش فرد و ارضاء نیازهای را بیش از پیش تشدید می کند. موجبات فزونی بیگانگی کارگران را فراهم می سازد و این گرایش در بیشتر جامعه ها در اثر جدایی بیش از حد بین تلاش و فرد است.

در اثر چنین وضعیتی است که اقتصاددانان امروزی اهمیت خاصی به ملاحظات اجتماعی اشتغال قائل هستند آگاهی به نقش سازنده کارگران در جامعه خود پاداشی است که کم و بیش در مسیر ارضاء نیازهای انسانی قرار دارد.

شاید از سه جهت بتوان در مفهوم کنونی اشتغال دگرگونی ایجاد کرد:

۱- عوامل کمی با وجود اهمیت آنها تنها قسمتی از کیفیت اشتغال را مطرح می سازد بنابراین ایجاب می کند

کیفیت و کمیت اشتغال توأماً مورد اندازه گیری و بررسی واقع شوند.

۲- فرد شاغل یا جوینده کار نباید فارغ از محتوای انسانی مورد توجه قرار گیرد. شرایط جوینده کار از نظر

محل کار، زمان کار، دشواری کار، میزان علاقه مندی و انتظارات مد نظر واقع شود به طور کلی تجزیه و

تحلیل اشتغال بر اساس گروهی صورت گیرد نه به صورت انفرادی.

یا به عبارت دیگر هدفهای نظام اقتصادی و اجتماعی به صراحت بیان شود. تضاد هدفها در سطح مختلف

جامعه از یک سو و افراد از سوی دیگر بیشتر ناشی از ساخت و سازمان است توجه به پدیده های اشتغال

با در نظر گرفتن محتوای انسانی به کاهش تضاد ها کمک موثری می کند. (همان: ۹۸ و ۹۹)

عوامل موثر بر آرزوهای شغلی:

* (این قسمت از مقاله خانم مریم صفری از سایت (www.dbase.irandoc.ir) گرفته شده است.)

انتخاب شغل و آمادگی برای اشتغال یکی از مهمترین تکالیف مربوط به دوران رشد است که

نوجوانان در جوامع مختلف، بویژه در جوامع صنعتی، با آن مواجه می شوند. اگر چه این مساله

همیشه برای پسران مصداق داشته، اما شواهدی وجود دارد که در سالهای اخیر برای دختران نیز

اهمیت پیدا کرده است. متأسفانه، شواهد قابل توجهی وجود دارد که نوجوانان اطلاعات کمی در

مورد مشاغل و چگونگی انتخاب یک شغل دارند.

عوامل اقتصادی و اجتماعی، بین تجربیات روزمره نوجوانان و دنیای کار فاصله انداخته است.

یکی از مهمترین عوامل اجتماعی که بر آرزوهای شغلی نوجوانان تاثیر می گذارد خانواده است.

آرزوهای شغلی نوجوانان با خواستههای والدین آنان برای موقعیتهای شغلی فرزندانیشان رابطه

دارد. به نظر می رسد که مادران و پدران اثرات متفاوتی - بسته به سن کودک - بر ارزشهای شغلی

کودکان خود دارند. مادرانی که شاغل هستند نگرش مثبتی نسبت به کار خود، به عنوان یک زن و

بیر یک نیروی کار دارید و می‌توانید انجمن‌های سعی مبسی برای ترردان خود باسد تا ان حد نه

پدران بتوانند نگرش مثبتی نسبت به زنان به عنوان نیروی کار داشته باشند، می‌توانند در شکل

دهی نگرشهای مثبت نسبت به زنان شاغل، هم در پسران و هم در دختران خود تاثیر داشته باشند.

وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده تاثیر نیرومندی بر انگیزش والدین نسبت به کار دارد که آن

هم به نوبه خود بر آرزوهای شغلی نوجوانان تاثیر می‌گذارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که پدران طبقه متوسط تاثیر قابل توجهی بر آرزوهای شغلی پسران و

دختران خود دارند. پدران طبقه پایین تاثیر کمتری دارند و بیشترین تاثیر را پدران داشته‌اند که

وضعیت طبقه بالا را داشته و رابطه بسیار نزدیکی با پسران خود دارند. همچنین تحقیقات نشان

داده است که دخترانی که موفقیت‌های بالایی داشته‌اند رابطه خوبی با پدران خود دارند. همسالان و

دوستان نیز به میزان زیادی می‌توانند بر آرزوهای شغلی پسران تاثیر داشته باشند.

مطالعات نشان می‌دهد که مشاوران آنطور که باید در مشاوره شغلی موفق نبوده‌اند بسیاری از

مشاوران شغلی در مورد مشاغل زنان نگرشهای قالبی و جنسیتی دارند.

نیاز است که بر تعداد مشاوران افزوده شده و آنها را برای مشاوره و نیازهای شغلی از جمله

امکان استفاده از دستگاههای کامپیوتری، تصمیم‌گیری شغلی، مورد آموزش قرار دهند.

طبقه اجتماعی و اقتصادی به دلایل متعددی بر آرزوهای شغلی پسران تاثیر می‌گذارد.

نخست نوجوان به طور معمول سطوح آموزشی و شغلی را آرزو می‌کنند که با آن آشنا هستند.

دوم. به نظر می رسد طبقه اجتماعی - اقتصادی امحاء دستیابی به برخی مسائل را تعیین می کند

سوم: طبقه اجتماعی و اقتصادی بر ادراک نوجوانان از فرصتهای شغلی موجود برای وی تاثیر می گذارد. به دلایل زیادی طبقه اقتصادی - اجتماعی پایین تر احتمال کمتری، برای دستیابی به مشاغل طبقه بالاتر را دارا هستند از جمله این دلایل عبارتند از: تحصیلات پایین، فرصتهای کمتر برای آموزش پیشرفته به علت تحصیلات پایین و محدودیتهای مالی و عدم آشنایی با مهارتهای اجتماعی و ارزشهای طبقه متوسط.

هوش و استعداد نیز به نوبه خود بر آرزوهای شغلی نوجوانان تاثیر گذار است:

تحقیقات آشکار ساخته که نوجوانان باهوش تر، آرزوهای شغلی و آموزشی بالاتری نسبت به همسالان کم هوش تر خود دارند. احتمال کمی وجود دارد که این در مورد دختران صحت داشته باشد، همچنین نوجوانان باهوش تر تصمیمات شغلی واقع گراتری می گیرند، یعنی احتمال بیشتری وجود دارد که مشاغلی با تواناییها، علایق و فرصتهای شغلی خود انتخاب کنند.

نوجوانان امروز اغلب نسبت به شرایط و فرصتهای شغلی یا بی اطلاعند یا اطلاعات نادرست دارند. آنها همچنین در مورد مهارتها و علائق خودشان و فرایند تصمیم گیری شغلی اغلب بسیا رکم می دانند. علاوه براین وضعیت اقتصادی موجود بسیاری از کشورها بر نوجوانان فشار می آورد تا شغلی را هر شغلی بدست آورند.

درخاتمه باید گفت که : مدل سنجش و هماهنگ کردن صفات، نظریه مفهوم (خود) سوپر و نظریه رشد شغلی کینزبرگ، همگی نظرات جالبی را در مورد رشد شغلی مطرح می کنند.

آموزش و استعال:

با گسترش امکانات و دوره های آموزشی و افزایش جمعیت با سواد در کشورهای در حال توسعه ، بیکاری تحصیل کرده ها به یکی از معضلات اساسی در این کشورها تبدیل شده است . قشر تحصیل کرده بدلیل اینکه سالیان متمادی را به کسب علم و مهارت سپری کرده است و کم بیش با اوضاع و احوال دیگر کشورها و مجامع آشنائی دارد ، انتظار پیدا کردن شغلی متناسب با میزان مهارت و تحصیلاتش را خواهد داشت.

تقریباً در تمام کشورها ، تحصیل کردگان بیکار ، بخش بزرگ و رشد یابنده ای از کل بیکاران هستند که بالغ بر یک سوم یا بیشتر بیکاران شهری را تشکیل می دهند. اهمیت آنها عمدتاً به خاطر حجم عددی آنها نیست بلکه بیشتر ناشی از موقعیتشان به عنوان گروهی است که قادر به سخن گفتن بوده و از لحاظ سیاسی آگاهند و توانائی بسیج افکار عمومی و مخالفت با دولت را دارند. مشاغلی که این گروه در جستجوی آن هستند در بخشی از اقتصاد قرار دارد که دارای شرایط مشابهی با کشورهای غربی است . اعضای این گروه محدودیتهای بسیار سختگیرانه ای برای نوع کاری که قبول خواهند کرد قائلند. در حالی که تحصیل کردگان از تحرک جغرافیائی فراوانی در میان مناطق شهری برخوردار هستند ، تحرک کارکردی شان ناچیز و قابل چشم پوشی است. آنها در جستجوی کار غیر یدی هستند و آمادگی قبول کاری که “ دستهایشان را آلوده کند ” ندارند . از دیدگاه یک برنامه ریزی عقلائی این گونه دیدگاهها نسبت به کار از سوی تحصیل کردگان ، که تمایل زیادی به مشاغل پشت میز نشینی داشته و از کار یدی گریزان هستند ، به شدت برای توسعه زیان آور خواهد بود.

با این اوصاف نباید رابطه بین گسترش سطح آموزش و توسعه اشتغال را رابطه ای معکوس و منفی تلقی نمود زیرا گسترش آموزش می تواند به افزایش بهره وری ، ارتقاء کیفیت ، افزایش سطح تولید و در مجموع افزایش سطح تقاضای کل منجر شده و موجبات تحرک و پویائی اقتصاد را فراهم آورد که نتیجه آن رشد و توسعه اشتغال خواهد بود .

(این مقاله از سایت <http://irankarafarin.persianblog.com> گرفته شده و در آرشیو روزنامه

آسیا بوده است).

امروزه مدیریت کلان کشور به دنبال استفاده از روش های علمی برای شناخت و کنترل عوامل مشکل آفرین در زمینه اشتغال و تبدیل چالش ها به فرصت ها برای شتاب دادن به حرکت توسعه است.

دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی عهده دار رسالت هایی چون تولید دانش، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه، گسترش فناوری، نوآوری و خلاقیت هستند و امروزه صاحب نظران معتقدند دستیابی به توسعه پایدار فقط در سایه به کارگیری دانش روز و فناوری پیشرفته حاصل می شود. بنابراین برای قرار گرفتن در جاده توسعه و جلوگیری از عقب ماندگی باید شرایطی فراهم شود که دانشگاه ها بتوانند دانشجویان را برای به کارگیری فناوری جدید و پذیرش مسوولیت های مختلف در سطح سازمان و جامعه پرورش دهند. در این مقاله به منظور بحث و بررسی پیرامون چالش ها و فرصت های نظام آموزش عالی در تامین نیازهای مهارتی نیروی انسانی مورد نیاز بازار کار، عوامل موثر به دو گروه درونی و بیرونی تقسیم می شوند و سپس تشریح جزئیات هر گروه صورت می گیرد.

- عوامل درونی :

عوامل درونی، فرآیندها و راهبردهایی هستند که در نظام آموزش عالی به کار گرفته می‌شوند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مقوله اشتغال و کاریابی فارغ‌التحصیلان ارتباط دارند. مهمترین عوامل درونی در زیر ذکر شده‌اند.

۱- عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و نیازهای آتی بازار کار :

براساس مطالعات انجام گرفته جمعیت جوان و فعال کشور تا سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۶۱ میلیون نفر می‌شود و به عبارتی ۲/۵ درصد رشد خواهد داشت. پس سطح اشتغال نیز باید رشدی معادل ۲/۵ درصد در سال داشته باشد تا وضعیت فعلی حفظ شود. یعنی تا سال ۱۴۰۰ در ایران باید ۲۹ میلیون فرصت شغلی ایجاد شود.

با توجه به اهمیت موضوع، دولت تدابیری را اتخاذ کرده است. به عنوان مثال، در برنامه سوم توسعه ایجاد حدود ۴ میلیون فرصت شغلی پیش بینی شده است. اما نکته‌ای که مورد نظر است عدم تناسب بین تعداد فرصت‌های شغلی تخصصی ایجاد شده در جامعه و تعداد فارغ‌التحصیلان است. در ایران فقدان ارتباط نزدیک بین دانشگاه‌ها و بخش‌های مختلف جامعه موجب شده است که بین ظرفیت پذیرش دانشجو و تقاضای بازار به نیروی متخصص تناسب وجود نداشته باشد که علت آن عدم هماهنگی و انسجام در تصمیم‌گیری بین نظام آموزش عالی با سایر بخش‌های جامعه به دلایلی چون؛ عدم وجود آمار واقعی، فقدان نگرش استراتژیک در بخش‌های دولتی و خصوصی، ناتوانی مدیران در طرح‌ریزی و برآورد احتیاجات نیروی انسانی براساس استراتژی‌های کلان توسعه، عدم اجرای برنامه‌های میان مدت و بلندمدت جذب، اجرای سلیقه‌ای سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و

بعبارت دیگر برنامه‌های تدوین سده پس از هر تغییر در مدیریت‌هاست. ضمن اینکه دسر سسر

آموزش عالی نیز در صورت تامین امکانات و استاد توسط مقامات محلی و بدون در نظر گرفتن وضعیت اشتغال در آینده برای ایجاد رشته تحصیلی مجوز صادر می‌کند. البته با توجه به هدف و فلسفه وجودی دانشگاه‌ها که ارتقای سطح علمی و تغییر در نگرش و بینش عمومی مردم و تامین نیازهای جامعه به نیروی متخصص است، توسعه آموزش عالی دارای توجیه است. اما فارغ‌التحصیلان انتظار دارند که با گرفتن مدرک تحصیلی موجبات اشتغال یا تسهیل شرایط اشتغال آنان فراهم آید. لذا پیشنهاد می‌شود تدبیری اتخاذ شود که اولاً ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار کار به نیروی متخصص تعیین شود و ثانیاً مجوزهای ایجاد رشته تحصیلی در دانشگاه دائمی نباشد و با تغییر در کیفیت نیازهای جامعه و تخصص‌های جدید، مشخصات مجوزهای صادره تغییر یابند.

۲- عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی :

یکی از مهمترین اهداف نظام‌های آموزشی جوامع فراهم آوردن امکان آرایه آموزش متناسب با مهارت‌های شغلی مورد نیاز جامعه است. بنابراین، در طراحی هر نظام آموزشی اثربخش، عوامل مهمی چون شرایط و ویژگی‌های داوطلبان، محتوای دروس، تسهیلات و تجهیزات مورد نیاز، روش‌های تدریس و غیره مدنظر قرار می‌گیرند. از طرف دیگر به هنگام طراحی مشاغل، شرح شغل و شرایط احراز (که تعیین کننده ویژگی‌های رفتاری، توانایی‌ها و مهارت‌هایی هر شغل است) تنظیم می‌شود. این مهارت‌ها شامل مهارت فنی، مهارت انسانی، مهارت ادراکی و آشنایی با رایانه هستند. ضمن اینکه داشتن توانایی‌های ذهنی، فیزیکی و سطح تحصیلات و همچنین ویژگی‌های رفتاری

چون سحییب، بوح بحرس، انبیرس و اررس های حرری بیر در ایبجا مصرح مسسد. مهاربها،

استعدادهای بالفعل و توانایی‌ها، استعدادهای بالقوه تلقی می‌شوند. در حال حاضر در آموزش عالی

بیشتر سطح تحصیلات به عنوان یک توان یا استعدادهای بالفعل ایجاد می‌شود و این در حالی است

که فارغ‌التحصیلان برای صعود به قله اشتغال به مهارت نیز نیاز دارند. با توجه به آنچه بیان شد

بازبینی در سرفصل‌های دروس دوره‌های آموزشی و تنظیم آنها براساس اطلاعات علمی (نظری) و

عملی مورد نیاز رشته‌ها و زمینه‌های شغلی مرتبط با رشته تحصیلی مورد نظر و ایجاد هماهنگی و

همسویی بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر ضروری به نظر می‌رسد.

۳ - عدم توفیق دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه در

دانشجویان :

با توجه به اینکه پایه و اساس دانشگاه را دو عامل مهم و اصلی یعنی دانشجو و استاد تشکیل

می‌دهند. علل عدم توانایی دانشگاه‌ها در ایجاد روحیه علمی و انگیزه در دانشجویان را باید در

ویژگی‌های این دو عامل جست‌وجو کرد. دانشجویان اکثراً روحیه علمی و انگیزه کافی ندارند و

معمولاً به جای توجه به ارتقای سطح علمی خود فقط به ارتقای سطح تحصیلی (اخذ مدارج بالاتر)

می‌اندیشند. لذا دانشگاه‌ها باید به فراخور تغییرات در شرایط سنی، سطح اجتماعی و انتظارات جامعه

از دانشجویان و همچنین تاثیراتی که حضور در مراکز علمی در روند زندگی دانشجویان می‌گذارد،

شیوه آموزشی و تربیتی را ارایه کنند که در دانشجویان انگیزه و روحیه علمی ایجاد کند و این امر

زمانی محقق می‌شود که اعضای هیات علمی به عنوان یکی از دو عامل اصلی دانشگاه، دارای روحیه

علمی و انگیزه خدمت‌رسانی باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود ضمن انجام اقدامات بنیادی در

خصوص نعییر در سیوه امورس سسی موجود، در جذب اسدادن و اترادی نه دارای روحیه سدی و

دانش پژوهی هستند در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر، تدابیری نیز برای رفع مشکلات و

تنگناهای اقتصادی اعضای هیات علمی اتخاذ شود.

۴ - مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن :

در نظام آموزش عالی گرفتن حداقل نمره قبولی پیش شرطی برای اخذ مدرک فارغ التحصیلی است.

شرایط نامساعد اشتغال از یک طرف و تمیز قائل نشدن بین فارغ‌التحصیلان از نظر توانمندی علمی و

عملی در زمان جذب از طرف دیگر، سبب بی‌انگیزه شدن و از بین رفتن علاقه‌مندی جمع کثیری

از دانشجویان به ویژه در مقطع کارشناسی به فراگیری دروس نظری و فعالیت‌های عملی شده است.

این شرایط سبب پرورش و تولید فارغ‌التحصیلانی می‌شود که دارای روحیه علمی نیستند و در عین

ناتوانی در کسب مدارج علمی بالاتر، روحیه کارآفرینی و یافتن کسب و کار مناسب را ندارند. تجربه

برگزاری امتحان جامع و ارزیابی دانشجویان در برخی رشته‌ها (رشته‌های پزشکی) و مشروط شدن

ادامه تحصیل آنان به اخذ نمره قبولی، سبب ورود متخصصان و پزشکانی به جامعه شده که هم در

بحث خدمات درمانی و هم در ادامه تحصیل موفق‌تر بوده‌اند. بنابراین، ضروری است همان‌طور که

برای هر درس سرفصل آموزشی به صورت استاندارد تعریف شده، معیارهایی نیز برای ارزیابی فارغ

التحصیلان به منظور مشخص کردن حداقل دانش نظری و توان عملی آنان به صورت استاندارد برای

هر رشته تحصیلی تعریف شود و براساس آن فارغ‌التحصیلان ارزیابی شوند.

۵ - عدم آشنایی اعضای هیات علمی با فرایندها و نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدماتی

مرتبط با رشته تحصیلی فارغ التحصیلان :

عدم آشنایی اعضای هیات علمی با فرایندهای عملی و انجام امور اجرایی مرتبط با رشته تحصیلی دانشجویان به چند عامل ارتباط دارد: در فرآیند چندساله پرورش یک عضو هیات علمی به علت فقدان ارتباط موثر بین دانشگاه با واحدهای مرتبط به رشته تحصیلی دانشجو و عدم امکان ایجاد واحدهای مشابه محیط‌های کاری در دانشگاه‌ها زمینه آشنایی دانشجویان با مهارت‌های فنی و عملی مهیا نمی‌شود.

کم اهمیت تلقی شدن واحدهای درسی عملی، عملیات دانشجویی، دروس آزمایشگاهی و کارگاهی و به ویژه دوره‌های کارآموزی و پروژه‌های درسی؛ حاکم بودن روابط و تفاوت قائل نشدن بین فارغ التحصیلان تلاشگر و فعال علمی با سایر افراد به هنگام جذب و عدم توجه به توانمندی‌های فنی و عملی آنها. پیشنهاد می‌شود در داخل دانشگاه نیز به منظور آشنایی بیشتر اعضای هیات علمی با فعالیت بخش‌های مرتبط با تخصص آنها، با اهمیت تلقی کردن پروژه‌ها و واحدهای عملی درسی و دوره‌های کارآموزی، تعیین ضوابط جدید برای پذیرش دانشجویانی متناسب با رشته تحصیلی و مطرح شدن سطح اطلاعات و آگاهی عملی و کاربردی در جذب و ارتقای اعضای هیات علمی اقداماتی صورت پذیرد.

۶- فقدان زمینه مناسب برای آموزش‌های علمی - کاربردی :

در حال حاضر در دانشگاه‌ها انتقال دانش بیشتر به صورت نظری و در قالب تعاریف، تئوری‌ها و اصول در کلاس انجام می‌پذیرد و به واحدهای عملی نیز اهمیت چندانی داده نمی‌شود. به رغم

ایجاد برخی رسته‌ها در دانشکده جامع علمی - کاربردی و همچنین ایجاد مراکز آموزش علمی -

کاربردی با همکاری و سرمایه‌گذاری موسسات، واقعیت این است که بسترسازی مناسبی برای

اجرای برنامه‌های آموزشی علمی - کاربردی صورت نگرفته و بعضاً دچار بیماری تئوری زدگی

شده‌اند. فقدان زمینه مناسب برای علمی - کاربردی کردن آموزش در دانشگاه‌ها از سه بعد قابل

بررسی است:

الف - عدم برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی برای تامین، تربیت و جذب نیروی متخصص مربی.

ب - کمبود بودجه دانشگاه‌ها در تامین فضا، تاسیسات، تجهیزات، امکانات و وسایل کمک آموزشی،

اردوها و بازدیدهای علمی.

ج - بی‌انگیزگی دانشجویان برای فراگیری دروس عملی به دلیل عدم اطمینان به موثر کاربردی بودن

واحدهای عملی در زمان کاریابی یا در حین اشتغال.

بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به نیاز به سرمایه‌گذاری برای اجرای برنامه‌های آموزشی علمی -

کاربردی، دولت و به ویژه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی عنایت بیشتری به بودجه بخش آموزش

داشته باشند و درصدی از درآمد یا سود بخش‌های مختلف جامعه را که مصرف‌کننده ستاده‌های

نظام آموزشی هستند به دانشگاه‌ها به منظور تامین امکانات و تجهیزات لازم اختصاص دهند.

۷ - ناکارآمدی اعضای هیات علمی در تربیت نیروی متخصص مورد نیاز جامعه :

زمانی که بحث تربیت مطرح می‌شود هدف، هدایت دانشجویان است. به عبارت دیگر، استادان باید

در ابعاد مختلف فکری، احساسی، اخلاقی، معنوی، اجتماعی و حتی سیاسی دانشجویان را هدایت

کنند. اما آنچه که در حال حاضر در بیشتر کلاس‌های درس و در سطوح مختلف در دانشگاه‌ها

مسهامده می شود، انتعاا مصطاب علمی و نصریه های ار پیس ناب سده یا نحاب حصای ار دهن استاد

به ذهن دانشجو است که پس از اتمام فرآیند انتقال اگر استاد بدون توجه به بی علاقه گی دانشجویان، بر انجام امتحان یا پرسش و پاسخ در جلسات بعد تاکید ورزد دانشجو ناگزیر به مطالعه و حفظ مطالب به منظور پاسخگویی می شود و اگر تراکم زیاد جمعیت کلاس درس و محدودیت های زمانی مانع از اجرای پرسش و پاسخ یا ارزیابی توسط استاد شود حفظ کردن مطالب فقط در زمان امتحانات صورت می پذیرد. در بررسی علل ناکارآمدی اعضای هیات علمی با توجه به هدف های آموزش عالی نقش سه عامل برجسته تر به نظر می رسد.

الف - ضعف سیستم تحصیلات تکمیلی آموزش عالی در ارتقای سطح علمی دانشجویان.

ب - ضعف آموزش عالی در تجهیز اعضای هیات علمی به اصول روانشناختی و تربیتی و شیوه های نوین تدریس.

ج - تراکم بیش از حد دانشجو در کلاس ها و عدم رعایت استانداردهای آموزشی.

به طور کلی می توان گفت اگر اعضای هیات علمی دارای روحیه علمی، اهل مطالعه، توانمند و آشنا به مباحث روز رشته تخصصی خود باشند و از طرفی نسبت به شیوه های نوین تدریس آگاهی کافی داشته باشند. مطمئناً در تدریس موفق بوده و اهداف تربیتی تا حدودی زیادی در دانشگاه محقق خواهد شد. بنابراین، آموزش عالی باید نسبت به شناسایی و جذب افراد مستعد و نخبه اقدام کرده و سیاست ها و برنامه هایی را برای آشنایی آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه های نوین تدریس، تحقیق و شیوه آموزش مبانی علوم تدوین و اجرا کند.

تحت تاثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه برخی از اعضای هیات علمی نگرش اقتصادی به کار داشته و بیشتر در پی کسب درآمد هستند. تعدادی هم با هدف کسب قدرت و جایگاه اجتماعی بالاتر به تصدی گری امور و در اختیار گرفتن مدیریت‌ها و عضویت در احزاب، تشکل‌ها و انجمن‌های مختلف اقدام می‌کنند و برخی هم با نیت اصلاح امور و خدمت رسانی به مردم و محرومان جامعه وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شده و از فعالیت‌های علمی و پژوهشی باز می‌مانند. دانشجویان به عنوان عامل دیگر تشکیل دهنده دانشگاه با انگیزه‌هایی چون فراهم شدن زمینه اشتغال در آینده، ارضای تمایلات و هیجانات روحی و گاهی هم به منظور مطرح شدن در بین دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی و دیگر فعالیت‌های دانشجویی غیردرسی می‌پردازند و البته برخی هم با قرارگرفتن در فضای باز دانشگاه اسیر ارضای تمایلات نفسانی خود می‌شوند. در هر صورت در سنوات اولیه به علت عدم آگاهی کافی و غلبه هیجانات و احساسات بر منطق، قسمت عمده انرژی دانشگاهیان صرف انجام فعالیت‌ها و درگیری‌های سیاسی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی، شخصی غیردرسی و غیرعلمی می‌شود و این امر سبب می‌شود مسایل آموزشی و پژوهشی در دانشگاه به عنوان اولویت اول مطرح نباشد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود ترتیبی اتخاذ شود که دانشگاه‌ها در جایگاه اصلی خود به عنوان مراکز مستقل تولیدکننده دانش و علم قرار گیرند و حریمی برای آنها تعریف شود که مانع از نفوذ سوء استفاده و بهره برداری سیاسی گروه‌های ذی نفوذ شود.

– عوامل بیرونی :

عوامل بیرونی شامل کلیه مواردی می‌شوند که بر اشتغال فارغ التحصیلان به طور مستقیم و غیرمستقیم تاثیر گذاشته و مانع از جذب آنها در بازار کار می‌شوند. مهمترین عوامل بیرونی در ذیل آورده شده است.

۱- مشخص نبودن و رواج نیافتن فرهنگ کاریابی :

به رغم تحولات فرهنگی - اجتماعی جامعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز بافت سنتی در بیشتر مناطق کشور حاکم بوده و اشتغال در سازمان‌های دولتی و کسب مشاغل لوکس اداری، اشتغال به کار در پایتخت و مراکز استان‌ها، اشتغال در شهرهای خوش آب و هوا، اشتغال در شرکت‌های پردرآمد با مزایای بالا و یافتن شغل مناسب در شهر محل سکونت به منظور نزدیک بودن به خانواده از معیارهایی هستند که معمولاً فارغ التحصیلان جامعه ما در زمان کاریابی به آنها توجه دارند و به آنها اولویت می‌دهند و خانواده‌ها بر یافتن شغل دولتی در محل سکونت برای فرزندان‌شان و حفظ خانواده به شکل هسته‌ای با هدف تامین امنیت خانواده تاکید می‌ورزند. مجموعه این عوامل و دیگر متغیرها باعث تراکم فارغ التحصیلان بیکار در یک منطقه و اشتغال بی‌سوادان و غیرمتخصصان در مناطق دیگر به دلیل عدم حضور نیروهای متخصص شده است. هر چند بیکاری و فشار اقتصادی شدید باعث مهاجرت فارغ التحصیلان برای یافتن شغل خواهد شد، لیکن پیشنهاد می‌شود ضمن ترویج و توسعه فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌ها و تشویق کارآفرینان، دولت در مناطق محروم و دورافتاده و بدآب و هوا تسهیلاتی را فراهم آورد تا فارغ التحصیلان با این امید که پس از چندسال

سار با سرمایه مناسب می تواند به محل مورد عرضه خود بپردازد و به دنبال تریابی در این ماصو

باشند.

۲ - عدم توسعه بنگاه های کاریابی خصوصی :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رغم تمهیدات در نظر گرفته شده در قانون اساسی در خصوص تقسیم ساختار اقتصادی ایران به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متأسفانه به دلیل سوء استفاده بخش خصوصی در شرایط بحرانی سال های اولیه به ویژه در زمان جنگ و تمایل نیروهای ذی نفوذ به در اختیار گرفتن و انحصاری کردن خدمات در بخش دولتی با هدف افزایش قدرت نفوذ خود، به بیشتر دولتی شدن امور منجر شد که این قضیه اشتغال را نیز تحت تاثیر قرار داده و آن را دولتی کرد. این موضوع امکان فعالیت و قدرت رقابت بنگاه های کاریابی خصوصی را سلب کرد و مانع ایجاد و توسعه این بنگاه ها شد. عدم کارایی بخش دولتی و ضرر و زیان های وارده به کشور و تحولات ایجاد شده در اقتصاد جهانی توجه مسوولان را به خصوصی سازی بخش های اقتصادی معطوف ساخته است. اما وجود قوانین و ضوابط اداری دست و پاگیر، قانون کار و برخی قوانین بیمه ای همچنان موانعی را در مسیر ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی و بنگاه های اقتصادی کوچک و بزرگ قرار داده و موجب کاهش جابه جایی و جایگزینی نیروی کار در بین بخش های مختلف اقتصادی جامعه و به حداقل رسانیدن فعالیت بنگاه های کاریابی خصوصی و نهایتاً تعطیلی آنها به دلیل غیراقتصادی بودن فعالیت هایشان می شود. بدین ترتیب همگام با خصوصی سازی بخش های مختلف اقتصادی و به تناسب آن باید اصلاحاتی نیز در قوانین و مقررات مربوط به نحوه جذب و نگهداری نیروی کار نیز به وجود آید تا امکان فعال تر شدن بنگاه های کاریابی خصوصی فراهم شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه ۶۰، قانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های مختلفی از جمله قانون‌های فارغ التحصیلان با هدف افزایش قدرت نفوذ و حضور فعال‌تر تحصیلکرده‌ها در جامعه و ایجاد بستر مناسب برای فراهم آمدن زمینه اشتغال اعضای آنها تاسیس شدند. بررسی اجمالی چگونگی ایجاد و روند کار این نهادهای غیردولتی نشان می‌دهد در گذشته، جامعه و به ویژه برخی از مسوولان توانایی پذیرش قدرت نمایی چنین نهادهایی را نداشته‌اند و از سوی دیگر، اعضا دارای تجربه کافی در زمینه فعالیت‌های تشکیلاتی و مشارکتی نبودند که این امر سبب اختلال در روند فعالیت قانون‌ها شده و با گذشت زمان و تحت تاثیر تغییر و تحولات جامعه، کارکرد این قانون‌ها تغییر یافته و بعضاً منحل و برخی نیز در حالت رکود و با حداقل فعالیت به راه خود ادامه داده‌اند. امروزه با ایجاد نهادهای غیردولتی جدید مانند سازمان‌های نظام مهندسی کشاورزی و دیگر رشته‌های کاری عملاً فارغ التحصیلان جذب این گونه سازمان‌ها می‌شوند و این سازمان‌ها با توجه به ابزارهایی که در اختیار دارند می‌توانند در بسترسازی برای اشتغال اعضای خود به نحو موثرتری فعالیت کنند.

۴ - تعدد متقاضیان و رقابت شدید برای کسب مشاغل موجود :

ضرورت ارتقای سطح فرهنگی، شعار محرومیت‌زدایی انقلابیون و تمرکززدایی دولت، انتظار مردم از دولت برای توسعه همه جانبه مناطق، شعار انجام اقدامات عمرانی و توسعه ای فعالان سیاسی در مناطق مختلف، حکومت مرکزی و به ویژه وزارت فرهنگ و آموزش عالی را مجبور ساخت نسبت به توسعه آموزش عالی و تاسیس مراکز آموزشی در مراکز استان‌ها و برخی از شهرستان‌ها اقدام کند

به این امر به اترایس تعداد فارغ التحصیلان منجر شد. از سوی دیگر ممربر سازمانها، صدیع و

بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ در کلان شهرها و مراکز استانها سبب شد فارغ

التحصیلان سایر مناطق با تصور یافتن مدینه فاضله راهی این شهرها شده و با اضافه شدن به دیگر

متقاضیان کار عرصه رقابت را تنگتر و فشردهتر کنند. ضمن این که محدود بودن تعداد فرصت‌های

شغلی و وجود تعداد زیاد متقاضیان کار، باعث ایجاد رقابت شدید بین آنها شده است. بنابراین،

دولت باید در واگذاری امتیاز تاسیس بنگاههای اقتصادی کوچک و بزرگ، ضمن در نظر گرفتن سایر

شرایط توجه بیشتری به تعداد فارغ التحصیلان بیکار مناطق مختلف داشته باشد.

- نتیجه گیری :

با توجه به تعدد عوامل موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان باید برای حل این معضل از کلیه سازمانهای

مرتبط به منظور تهیه و اجرای یک طرح جامع و فراگیر در زمینه اشتغال استفاده شود. آنچه که در

تدوین طرح فوق باید مدنظر قرار گیرد توجه به عوامل اصلی موثر بر اشتغال فارغ التحصیلان آموزش

عالی و مسوولیت دادن به سازمانهای مرتبط با آن است. در این مقاله، برخی از عوامل موثر بر

اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به بررسی‌های به عمل آمده

و مباحث مطروحه موارد زیر به عنوان نتیجه‌گیری و همچنین به عنوان یک چارچوب بنیادی برای

تدوین طرح جامع اشتغال فارغ التحصیلان آموزش عالی ارایه می‌شود.

- در بخش تامین اجتماعی و رفاه عمومی به نحوی برنامه‌ریزی شود که افراد فقط با هدف

کسب علم و دانش وارد دانشگاه شوند؛ ظرفیت پذیرش دانشجو براساس نیاز آینده بازار کار به

نیروی متخصص تعیین شود.

- مجورهای ایجاد رسته‌های تحصیلی در دانشگاه موصی باشد و مناسب با رمان و شرایط تغییرند.

- سرفصل‌های دروس دوره‌های آموزشی براساس زمینه‌های شغلی مرتبط بازمینی و تنظیم شوند.

- بین سرفصل دروس با شرایط احراز مشاغل مورد نظر هماهنگی و همسویی ایجاد شود.

- اقدامات بنیادی در خصوص تغییر در شیوه آموزش موجود انجام گیرد.

- جذب استادان دارای روحیه علمی و دانش پژوهی در اولویت قرار گیرند و از سوی دیگر،

تدابیری نیز برای رفع مشکلات و تنگناهای اقتصادی اعضای هیات علمی اتخاذ شود.

- برای ارزیابی فارغ التحصیلان، معیارهایی که نمایانگر حداقل دانش نظری و توان عملی آنها هستند

به صورت استاندارد برای هر رشته تحصیلی تعریف شود.

- ارتباط دانشگاه با بخش‌های اجرایی تقویت شود.

- در پذیرش دانشجویان، متناسب بودن شرایط دانشجویان با رشته تحصیلی مدنظر قرار گیرد.

- بودجه بخش آموزش عالی تقویت شود و درصدی از درآمد یا سود بخش‌های مختلف جامعه که

مصرف کننده ستاده‌های نظام آموزشی هستند به دانشگاه‌ها به منظور تامین امکانات و تجهیزات لازم

اختصاص داده شود.

- آموزش عالی باید سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای شناسایی، جذب افراد مستعد، نخبه و آشنایی

آنها با اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و شیوه‌های نوین تدریس، شیوه‌های تحقیق و شیوه آموزش

مبانی علوم تدوین و اجرا کند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در جایگاه اصلی خود قرار گیرند و

حریمی برای آنها تعریف شود که مانع از نفوذ، سوءاستفاده و بهره برداری سیاسی گروه‌های ذی

نفوذ شود.

نحوه‌های استعمال بر اساس تخصص :

مسلمانان و نیروهای متخصص نقش عمده‌ای در رشد و توسعه کشور به عهده دارند. بنابراین بررسی وضعیت نیروی انسانی متخصص در استفاده مناسب از پتانسیلها و امکانات کشور بسیار مهم است. بی شک تربیت نیروهای متخصص مستلزم برنامه ریزیهای اصولی و سرمایه گذاری بلند مدت است. برابر بررسی های انجام شده از مدارک و نشریات سرشماریهای نفوس و مسکن کشور می توان گفت که سهم نیروی انسانی متخصص در کل جمعیت شاغل کشور در سال ۱۳۴۵ از ۱ درصد به ۴ درصد در سال ۱۳۶۵ و به ۹/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است که این ارتقاء محصول نتیجه گسترش آموزش عالی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری است. اگرچه سهم نیروی انسانی متخصص در دهه ۷۵-۱۳۶۵ حدود ۲ برابر شده است ولی هنوز این نسبت خیلی پایین است و در مقایسه با شاخص های جهانی در سطحی پایین تر قرار دارد. نتایج بررسی ها نشان می دهد که شاخص نیروی انسانی متخصص به ازای ۱ میلیون نفر جمعیت در سال ۱۳۶۵ برابر ۱۱۸۸۹ نفر بوده است. این شاخص در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۲۳ هزار نفر رسیده است. این شاخص در سال ۱۳۷۵ به بیش از ۲۳ هزار نفر رسیده است این شاخص در خصوص کشورهای آسیایی حدود ۱۱۶۸۶ نفر، شاخص جهانی ۲۳/۴۴۲ نفر و بالاترین رقم مربوط به آمریکای شمالی است که درای ۱۲۶۲۰۰ نفر متخصص به ازای هر ۱ میلیون نفر جمعیت دارد. (زیاری، ۱۳۸۲: ۵۶)

مطابق داده هایی که آمار ایران دارد در سال ۱۳۵۵ از ۸/۷۹۹/۴۲۰ میلیون نفر شاغل حدود ۵۵۵/۷۴۹ نفر یا ۶/۳۱ درصد مشخص بوده است این تعداد ۳۶۷/۸۸۹ نفر (۶۶/۲ درصد) مرد و ۱۸۷/۸۵۶ نفر (۳۳/۸ درصد) زن بوده است.

در نصاب شهری نسور در سال ۱۱۳۵، از ۱۱۱/۷۱ نفر، حدود ۷۲۱۵۲۱ نفر یا ۱۱/۷۱ درصد کل

شاغلان متخصص بوده اند از این رقم ۳۰۱۷۶۳ نفر یا ۶۴ درصد از مردان و ۱۶۹۸۰۸ نفر یا ۳۶

درصد را زنان تشکیل می دهند یا به بیانی دیگر از ۱۱/۴۶ درصد شاغلان متخصص ۷/۳۴ درصد مرد

و ۴/۱۲ درصد زنان بوده اند.

در نقاط روستایی کشور، در سال ۱۳۵۵، تنها ۱/۷۹ درصد شاغلان یا ۸۴۱۷۴ نفر متخصص بوده اند

و از این تعداد ۶۶۱۲۶ نفر، ۱/۴۱ درصد را مردان و ۱۸۰۴۸ نفر، ۰/۳۸ زنان تشکیل می دهند.

(همان: ۵۶)

بر اساس داده های آماری سرشماری سال ۱۳۷۵ از ۱۴/۵۷۱/۵۷۲ نفر شاغل، حدود ۱/۲۶۳/۳۴۷ نفر یا

۸/۶ درصد متخصصان تشکیل می داده است از این تعداد ۵/۳۸ درصد را مردان و ۳/۳ درصد را زنان

تشکیل می داده است.

در نقاط شهری از ۸/۷۹۹/۴۲۳ نفر شاغل ۱۰۹۴۲۱۵ نفر یا ۱۲/۴ درصد از کل شاغلان شهر را

متخصص بوده است از این تعداد ۶۳۷۹۷۷ نفر یا ۷/۳ درصد را مردان و ۵/۱ درصد را زنان بوده اند.

در نقاط روستایی کشور در سال ۱۳۷۵ از ۵/۰۷۱۰/۸۱۳ نفر شاغل حدود ۱۶۳۴۱۷ نفر از شاغلان

روستایی یا ۲/۹ درصد کل شاغلان روستایی را متخصصین تشکیل می داده است حدود ۲/۳ درصد

کل شاغلان روستایی را متخصص مرد و ۰/۶ درصد را شاغلان زن به خود اختصاص داده اند.

در واقع در بخش متخصص هم تفاوت در کل کشور، نقاط شهری و نقاط روستایی و همچنین در

میزان نسبت مردان و زنان مشهود است. (همان: ۵۷)

صی سابهی ۲۵ تا ۶۸۰، ذخیره بیکاران با مدرک دانشگاهی با رشد متوسط سالانه ۲۰ درصد از ۶۱

هزار نفر سال ۷۵ به ۲۷۸ هزار نفر در سال ۱۳۸۰ رسید که بیانر ۳۵۰ درصد افزایش در ذخیره بیکاری این گروه از بیکاران است این در شرایطی است که متوسط رشد ذخیره بیکاران کل کشور در این دوره سالانه ۱۴ درصد بود به عبارت دیگر روند افزایش ذخیره بیکاران فارغ التحصیلان دانشگاهی به نحوی بود که سهم آنان در کل بیکاری کشور از ۴/۲ درصد در سال ۷۵ به ۱۱/۲ درصد در سال ۸۰ رسید

توزیع شاغلان در سال ۱۳۷۵ به تفکیک سطوح تحصیلی

جمع	دکترا	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	بیسواد
۱۴۵۷۱۵۷۲	۶۰۵۹۸	۹۴۴۷۱	۷۰۲۹۲۲	۵۴۴۶۲۶	۱۹۲۲۹۴۹	۷۷۴۲۶۲۲	۳۵۰۳۳۸۴
۱/۱۰۰۰	۰/۰۰۴۷	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۳۷	۰/۰۱۳۲	۰/۰۵۳۱	۰/۰۲۴۰

مسائل اشتغال زنان در ایران :

اگر تاریخچه حضور زنان در بازار کار مورد بررسی قرار بگیرد زنان همزمان با عصر رنسانس صنعتی که نیاز به بازار کار ارزان زنان وجود داشت وارد این عرصه شدند. در جوامع صنعتی برنامه ریزی برای اشتغال زنان انجام گرفته است.

امادر جوامع سنتی روبه توسعه نظیر جامعه ما از همان زمان که بحث فعالیت های اجتماعی زنان گوش فلک را کر کرده بود کوچکترن برنامه ریزی برای اشتغال نیمی از جمعیت کشور صورت

بحریت ورتن نه درصدمی ارانن و اردبارار نارسدبدبه مساحل سطح پایین اجماع بصیرمسی نری

ودفتر داری تن دادندوتعداد قلیلی معلم شدنوتعداد بسیارکمی ازآنان هم توانستند به دانشگاهها به

عنوان استاد راه یابند .

طبیعی است که زنانی که توانتند در جامعه ای نظیر جامعه ما دارای شغل های بالای اجتماع

باشند طبیعتا از حمایت جامعه مردسالارچه به شکل خویشاوندی وچه اشکال دیگر

برخورداربودند.درشرایط کنونی باید گفت که هیچگونه برنامه ریزی برای اشتغال زنان درجامعه ما

وجود ندارد.(www.alef.ir)

در بیشتر جوامع جهانی ،موانع اجتماعی و قانونی وجود دارد که از توسعه نقش زنان و ارتقاء

موقعیت آنان جلوگیری می کند . ایران نیز از این حالت مستثنی نبوده لکن در اثر تدابیر و سیاستهایی

که در سالهای اخیر اتخاذ گردیده است در حال حاضر زنان ایران از موانع زیادی رهائی یافته اند .

(امین زاده، ۱۳۵۸ : ۱۸۷)

در دههء اخیر رشد سریع در کلیه جهات ضرورت مشارکت مساوی زنان را در توسعه ملی فراهم

ساخت و این تنها موقعیت مناسبی است که نباید از دست برود .

بعضی برخوردها و برداشتهای اجتماعی ، از سوی زنان و مردان در جهت برابری آنان موافق بنظر

نمی آید .

این امر تا حدودی ریشهء تاریخی دارد و می توان آنها را به آسانی از بین برد دگرگونیهای اجتماعی

سالهای اخیر آثار ساخت اجتماعی سنتی گذشته را کاهش داده است .

و در صورتی که ایران بخواهد بصورت اجتماعی پیشرفته‌ای درآید این نوع ضرر نضر و احسان بیسی

در بوتۀ فراموشی قرار گیرد .

موانع قانونی دربارهٔ موقعیت زنان در اثر طرز تفکر اجتماعی گذشته است . در بیشتر جوامع که

دارای فرهنگ باستانی هستند و سنن و رسوم مشابه ایران دارند ، قوانین مخالف و موقعیتی را که

در آن زن نقش ثانوی را در جامعه بعهده می گیرد ملغی کرده یا از بین برده اند . (همان: ۱۸۷)

دو جنبهٔ اساسی وجود دارد که می تواند نقش و موقعیت زن را در جامعهٔ ایران دستخوش تغییر سازد

این دو دیدگاه آموزش و اشتغال هستند :

۱- آموزش می تواند برای از بین بردن موانع اقتصادی و اجتماعی به تدریج یا سریعاً کمک کند

و توسعهٔ آموزش زنان در سالهای اخیر بصورت یک پدیده‌ای چشمگیر در آمده است .

در کلیه سطوح آموزشی ، تعداد دختران دانش آموز افزایش پیدا کرده است . در حالیکه در رشته

های فنی و حرفه های تخصصی و تربیت حرفه ای تعداد دختران نسبت به پسران هنوز اندک است

در اینجا مجدداً مسئله طرز تفکر مردم نقش اساسی را بعهده دارد . در بعضی از رشته های

آموزشی از قبیل علوم انسانی ، علوم اجتماعی ، زبان و بیولوژی ، رشته هائی هستند که خاص

زنان مشهور شده اند . رشته های آموزشی وجود دارند که آنها را به عنوان رشتهٔ خاص مردان

محسوب می کنند . این چنین طرز تفکر و تلقی بازنوعی افکار کهنه و فرسوده بوده و نگرشی به

گذشته است و از دریچهٔ توجه به آینده نمی تواند مورد قبول باشد برابری فرصت های آموزشی

در سیاست ملی ایجاب می کند که آموزش دختران تحت تأثیر افکار پیش ساخته و طرز تفکر کهنه

قرار نگیرد .

رسان باید نقش ارزنده ای در سحس این نوح ضرر نعر بردارنده بعهدہ بحیرد و برای نسب

برابری بدنال تنوع آموزش و تربیت حرفه ای باشند و موقعیت های تازه برای خود به وجود

آورند و گرایش به رشته های آموزشی سنتی را از بین ببرند. (همان: ۱۸۸)

۲- بهر حال توسعه و تنوع فرصت های اشتغال است که می تواند نقش ارزنده ای در بهبود

موقعیت زن در اجتماع داشته باشد. استقلال بیشتر در کار و فعالیت، بهره وری و مزد بیشتر

، احساس نیاز به بهبود امکانات فنی، بطور قابل ملاحظه به تحقق بخشیدن این هدف کمک می

کند. بیشتر جنبه های اشتغال نیاز به برنامه ریزی دقیق دارد. برای نیل به این مقصود در بعضی

موارد باید هدفهای تازه ای منظور گردد و در مواردی نیز در قوانین موجود تجدید نظر شود.

(همان: ۱۸۸ و ۱۸۹)

دو مسئله اساسی از نظر اشتغال زنان وجود دارد که عبارتند از:

الف) بهبود شرایط کار آنان در چارچوب سنتی خود

ب) تغییر از نقش سنتی به نقش نوین

الف: در سالهای آینده دیگر نمیتوان پذیرفت که تعداد زیادی از زنان در چارچوب فعالیتهای سنتی

در خانواده، کشاورزی و مشاغلی که به نام «مشاغل زنانه» پذیرفته شده اند باقی بمانند. وظیفه

اصلی اینست که محیط کار را بهبود بخشیده درآمد را افزایش داد. (همان: ۱۸۹)

در بخش کشاورزی باید به زنان تربیت حرفه ای داد و از طریق برنامه های ترویج کشاورزی حتی

زنان را برای رانندگی تراکتور آماده و برنامه های عملی برای ارتباط بین تربیت حرفه ای و اشتغال

ایجاد کرد. مروجان زن، مدیران زن در تعاونیها، حسابدار زن و کارشناس تعاونی مشاغلی است که

می توان در بحس سسی سسورری بوجود آورد . ربا معم بیسری بید بصورب چد وصیعه ای

برای آموزش دیگر افراد جامعه روستایی تربیت شوند و نقش آنان در توسعه و ترویج کشاورزی باید

بطور محسوسی گسترش یابد .

باید شرکتهای تعاونی صنایع سنتی ودستی بمنظور حمایت از زنان شاغل در این فعالیت ها به وجود

آید و صنایع خانگی مورد توجه واقع شود . برنامه های خاص برای کمک به کارگران ماهر زن که

بتوانند مستقلاً کار کنند یا بصورت تعاونی فعالیت داشته باشد در نظر گرفته شود .

(همان : ۱۸۹ و ۱۹۰)

ب: اشتغال زنان در بخش نوین مسائل مختلفی دارد . بیشتر کارفرمایان ، والدین و خود زنان مفهوم

«کارهای مردانه» و « کارهای زنانه » را بدون هیچ مخالفتی پذیرفته اند .

این نوع طرز اندیشه ، که به وسیله کارفرمایان داخلی و خارجی نیز مورد توجه واقع می شود واقعاً

یک الگوی قابل قبول برای کشور ایران نمی تواند باشد .

شواهد ارزنده ی زیادی وجود دارد که نشان داده است زنان می توانند در بیشتر مشاغل فعالیت داشته

باشند و وظایف محوله را به خوبی مردان جامعه عمل بپوشانند و در توسعه فرصتهای اشتغال زنان

باید این امور مورد توجه قرار گیرد ودولت خود بعنوان نمونه بدون توجه به این الگوها در اشتغال

زنان در مشاغل باصطلاح « مردانه » پیشقدم شود . (همان : ۱۹۰)

بهتر است که فهرست مشاغلی که زنان کمتر در آنها فعالیت دارند تهیه شود و تسهیلات آموزش و

تربیت حرفه ای لازم برای آماده کردن آنان به این مشاغل فراهم آید .

صما باید توجه داشت که نسور ایران با کمبود نیروی انسانی ماهر در بیسر تخصص ها و مساعل

مواجه است و باید جهت گیری و راهنمایی لازم برای اشتغال زنان در گروههای شغلی که کمبود

وجود دارد اتخاذ شود. (همان: ۱۹۰)

پذیرش زنان در سطح کارگر ماهر و دوشادوش سایر کارگران ماهر نشانه ارزنده‌ای از رهائی زنان از

وضع نامساعد سستی گذشته خواهد بود. همچنین در سطح تکنسین و استاد کار نیز کمبودهای

زیادی وجود دارد که زنان می توانند در صورت کسب دانش و مهارت لازم آنها را جبران کنند. در

سطح آموزش عالی و دانشگاهی نیز باید هدفهائی را در نظر گرفت که بموجب آن زنان و دختران در

مشاغل مردانه با توجه به نیازهای بازار کار راهنمایی گردند و کمبود از این طریق جبران شود.

(همان: ۱۹۰)

(مطالب قسمت بالا از سایت www.alef.ir و همچنین کتاب فرخ امین زاده به نام جمعیت شناسی

کار گرفته شده است.)

نظریه های تفاوت اشتغال زنان و مردان:

برخی نظریات وجود دارد که علت دستمزد کمتر زنان نسبت به مردان را ذکر کرده اند :

نظریه بازار کار دو گانه :

این نظریه بین دو نوع از مشاغل تمایز قائل می شود مشاغل بخش اول که از لحاظ پرداخت مزد ، تأمین بیشتر و فرصت های پیشرفت وضع نسبتاً خوبی دارد و مشاغل بخش دوم که با مزد کم ، تأمین کمتر و محدودیت امکان پیشرفت روبروست مشاغل بخش اول مشاغلی است که در آنها مهارت کارگران خاص و متناسب با احتیاج موسسه مورد نظر است و در این بخش در نتیجه نیاز کارفرما به ثبات ، مزدهای بهتری به نیروی کار پرداخت می شود و دورنمای پیشرفت بهتری ارائه می گردد . در مشاغل اولیه ثبات در کار برای کارفرما اهمیت دارد و جابجایی بیشتری که در آنها مشاهده می شود به این معناست که احتمال به کار گماردن مردها (با فرض داشتن ثبات شغلی) در مشاغل اولیه ، که امکان پیشرفت بعدی در آن از لحاظ فرد ، آموزش حرفه ای و ترفیع زیاد تر است ، بیش از زنهار است . (علویون، ۱۳۸۱: ۹۳ و ۹۴)

برخی از نظریه پردازان ، وجود بازار کار نسبتاً جداگانه برای مردها و زنهار را عامل تعیین کننده مهمی در مزدهای کمتر زنان دانسته اند و از آنجا که انتخابهای شغلی زنان محدود و تعداد متقاضیان برای مشاغل زنانه زیاد است ، این مشاغل را می توان « پرتراکم » خواند.

بنابراین مشاغل پرتراکم سطح مزد برای مشاغل زیاد زنانه پایین تر است ، زیرا زنهار باید برای مشاغل معدودی که به طور تصنعی محدود شده و بخش پرتراکم بازار کار را تشکیل می دهد با

شده رقابت نمی کنند و خود این در بالا نگهداشتن مزدهای این مشاغل موثر است . (همان: ۹۶)

نظریه های جنسیتی :

در نظریه جنسیتی ، موقعیت تابعی زنان در بازار کار و در خانه و خانواده با یکدیگر مرتبط و جزئی از یک سیستم کل اجتماعی است که در آن زنان تابع مردان هستند موضوع کلیدی در نظریه های جنسیتی ، اختصاص کار خانگی (به ویژه مراقبت کودک) به زنان است .

برای درک علت وجود مشاغل «مناسب» برای زنان و اشتغال آنها در مشاغل پست تر باید عوامل داخلی بازار کار را کنار گذاشت و به شرایطی که زنها تحت آن شرایط نیروی کار خود را می فروشند توجه کرد . هم در کشورهای صنعتی مبتنی بر بازار و هم در جوامع صنعتی دیگر که متکی به بازار نیستند ، حتی هنگامی که زنها در خارج از خانه کار می کنند باز هم کار خانگی ، به ویژه مراقبت کودک ، به آنها اختصاص دارد . (علویون ، ۱۳۸۱: ۹۷)

در جوامع در حال توسعه کار خانگی و مراقبت کودک عموماً در قلمرو مسئولیت زنان قرار دارد . اما در چارچوب خانواده گسترده ممکن است زنها با یکدیگر در این زمینه همکاری کنند . با تغییر شکل خانواده و تبدیل آن به خانواده هسته ای ، به ویژه در مناطق شهری ، مسئولیت های نگهداری از کودک و انجام امور خانه هرچه بیشتر بر عهده یک زن خاص یعنی مادر قرار می گیرد . هارتمن ، اثر انقلاب صنعتی بر وضع شغلی زنها را در انگلستان بررسی و معتقد است سندیکاهای کارگری مردانه در محدود کردن فرصتهای اشتغال برای زنان موثر بوده اند . زیرا با توجه به اینکه به زنها مزد کمتری پرداخت می شد وجود آنها تهدیدی برای مشاغل مردان به حساب می آمد مزدهای پایین زنها را

وابسته به مردمان ناه می داسب و انجام دارمبی بوچب حاسبی بوسب ربها برای مردان را موبه می

ساخت که این امر به نوبه خود وضعیت زنها در بازارکار را تضعیف می کرد و مشاغل با ثبات تر و

بهرتر را برای مردان باقی می گذاشت .

نظریه های جنسیتی همچنین تأکیدی بر گرایش مشاغل زنانه می نماید که انعکاسی از نقش خانگی

زنان باشد (نظیر آموزگاری ، پرستاری ، نظافت پذیری) درست همان طور که در بیشتر جوامع

کارخانگی زنها کم ارزش تر شده است ، این مشاغل و مهارتها نیز کم ارزش می باشد .

نقش عمده نظریه های جنسیت ، نشان دهنده این مطلب است که موقعیت زنان در بازار کار می توان

به عنوان جزئی از کل سیستم اجتماعی که در آنها زنها تابع هستند ، در نظر گرفت . (همان: ۹۸)

سهم زنان در اسعال ایران:

در خیل عظیم بیکاران زنان سهم عمده ای را به خود اختصاص داده اند . در ایران ۴۸/۸ درصد از جمعیت را زنان به خود اختصاص می دهند. بر اساس آمار دفتر آمار و اطلاع رسانی سازمان امور اداری و استخدامی کشور ، تنها حدود ۳۰ درصد شاغلان بخش مشمول و غیر مشمول قانون استخدام کشوری زنان هستند که از این تعداد ۷۱ درصد از آنها در وزارت آموزش و پرورش و حدود ۱۶ درصد وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و حدود ۱۲ درصد در سایر وزارتخانه ها اشتغال دارند.

چند مورد از علل بیکاری در زیر آمده است که عبارتند از:

۱- رشد بالای جمعیت:

رشد بالای جمعیت در ایران بویژه در طی سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ می باشد. در طی این سالها ایران رشد سالیانه ای بالغ بر ۳/۹ درصدی را تجربه کرده که این امر باعث افزایش بیش از پیش جمعیت جوان و جویای کار در سالهای کنونی شده است.

طی یک قرن اخیر جمعیت ایران از رشد بسیار بالایی برخوردار بود به طوری که از حدود ده میلیون نفر در آغاز قرن اخیر یعنی سال ۱۳۰۰، به حدود ۱۲ میلیون در سال ۱۳۱۵ و به حدود ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید، بالاترین نرخ رشد جمعیت در اوایل دهه ۶۰ بود به طوری که در سال ۱۳۶۵ به ۳/۹ درصد افزایش یافت و جمعیت کشور به سطح پنجاه میلیون نفر رسید. در آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵ جمعیت کشور از مرز ۶۰ میلیون نفر هم گذشت.

(www.noormags.com)

سال	تعداد جمعیت (به هزار نفر)	متوسط رشد سالانه (درصد)
۱۳۰۰	۹۷۰۷	۰/۶
۱۳۰۵	۱۰۴۵۶	۱/۵
۱۳۱۰	۱۱۱۸۵	۱/۴
۱۳۱۵	۱۱۹۶۴	۱/۴
۱۳۲۰	۱۲۸۳۳	۱/۴
۱۳۲۵	۱۴۱۵۹	۲
۱۳۳۰	۱۶۲۳۷	۲/۸
۱۳۳۵	۱۸۹۵۵	۳/۱
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۳/۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۲/۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۳/۹
۱۳۷۰	۵۵۸۷۳	۲/۵
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۱/۵
۱۳۸۰	۶۵۰۰۰	۱/۵

منبع: مرکز آمار ۱۳۸۰ و ثبت احوال ۷۹ و ۸۰

جدول بالا نشان می دهد طی سالهای ۸۰-۱۳۴۵ در دو مقطع زمانی ۴۵ و ۶۵ نرخ رشد جمعیت

کشور سالانه به بالای ۳ درصد رسیده است که نسبت به دوره های مورد بررسی از رشد بالاتر

برخوردار بوده و به نوعی بیانگر انفجار جمعیت است.

دهد) شاخص جوان شدن جمعیت کشور)

سال	جمعیت (۱۵-۲۹) سال (هزار نفر)	جمعیت کل کشور (هزار نفر)	نسبت جمعیت (۱۵-۲۹) سال به کل جمعیت (درصد)
۱۳۳۵	۴۴۳۶	۱۸۹۵۵	۲۳/۴
۱۳۴۵	۵۶۰۳	۲۵۷۸۹	۲۱/۷
۱۳۵۵	۸۵۰۸	۲۳۷۰۹	۲۵/۲
۱۳۶۵	۱۳۰۳۸	۴۹۴۴۵	۲۶/۴
۱۳۷۰	۱۴۸۴۱	۵۵۸۳۷	۲۶/۶
۱۳۷۵	۱۷۰۴۷	۶۰۰۵۵	۲۸/۴
۱۳۸۰	۱۹۵۰۰	۶۵۰۰۰	۳۰

منبع : با استفاده از سالنامه آماری ایران ۱۳۸۱

با توجه به جدول بالا می توان نتیجه گرفت به دنبال انفجار جمعیت در اوایل دهه ۴۰ نسبت

جمعیت جوان (۱۵-۲۹ ساله) به کل جمعیت از ۲۱/۷ درصد سال ۱۳۴۵ به ۲۵/۲ درصد در سال

۱۳۵۵ رسید، و با ظهور انفجار دوم، این نسبت از اواسط دهه ۶۰، به روند صعودی خود ادامه داد

تا اینکه در دهه هفتاد به ۲۸/۴ درصد رسید و در اواخر دهه ۸۰ نیز به سطح ۳۰ درصد افزایش

یافت. بنابراین تحولات مربوط به انفجار جمعیت و جوان شدن جمعیت در ایران قابل مشاهده است

به نحوی که اثر هر یک از این دو انفجار جمعیت در بازار کار با تأخیر ۱۵ تا ۲۰ سال

ظاهر شده است. (www.noormags.com)

جدول (۴-۱) نسبت بیکاری به کل جمعیت و متوسط رشد سالانه جمعیت طی ۸۰-۱۳۴۵

سال	جمعیت کل کشور (هزار نفر)	تعداد بیکاران (هزار نفر)	نسبت بیکاری به کل جمعیت (درصد)	متوسط رشد سالانه جمعیت (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)
۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۷۲۶	۲/۸۲	۳/۱	۹/۲۶
۱۳۵۵	۳۳۷۰۹	۹۹۷	۲/۹۶	۲/۷	۱۰/۱۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵	۱۸۱۹	۳/۶۸	۳/۹	۱۴/۱۹
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵	۱۴۵۶	۲/۴۲	۱/۵	۹/۰۸
۱۳۸۰	۶۵۰۰۰	۲۴۷۵	۳/۷۵*	۱/۵	۱۴/۵

منبع: با استفاده از سالنامه مرکز آمار ایران ۱۳۸۱

* انتظار می رود این نسبت تا سال ۱۳۸۵ افزایش یابد و یا حداقل از سال ۸۵ به بعد با کاهش نسبی مواجه شود.

با توجه به جدول بالا که نسبت بیکاری به کل جمعیت و متوسط رشد سالانه جمعیت طی ۸۰-۱۳۴۵ را نشان می دهد می توان نتیجه گرفت رشد ۳/۱ درصد جمعیت در اوایل دهه ۴۰ منجر به افزایش شدید نسبت بیکاری به کل جمعیت کشور از ۲/۹۶ در سال ۱۳۵۵ به ۳/۸۶ درصد در سال ۱۳۶۵ شد. همچنین اثر انفجار دوم جمعیت در اوایل دهه ۶۰ (یعنی پس از پیروزی انقلاب اسلامی) منجر به افزایش به سطح ۳/۷۵ درصدی نسبت بیکاری به کل جمعیت در دهه ۸۰ شده است. لذا همانطور که ملاحظه می شود تحولات جمعیتی به عنوان یک پدیده ساختاری در دو مقطع زمانی دهه ۴۰ و دهه ۶۰ منجر به افزایش درصد نسبت بیکاری به کل جمعیت به سطح ۳/۶۸ درصد و ۳/۷۵ درصد در دو دهه ۶۰ و ۸۰ شد به نحوی که نرخ بیکاری کل کشور در سال ۱۳۶۵ به ۱۴/۲ و در سال ۱۳۸۰ به سطح ۱۴/۵ درصد رسید.

سیان در است اثر انفجار دوم بر روی نرخ بیکاری نسبت به انفجار اول با تاخیر بیسری ظاهر شده

است. که این امر مقارن است با این مسئله که بعد از دهه ۶۰ دسترسی به آموزش مورد تأکید و

توجه بیشتر قرار گرفته است. که بیانگر اثر مثبت گسترش پوشش آموزش اجباری و پایه اساسی و

آموزش عالی، بر سطح تأخیر ظهور بیکاری است. (www.noormags.com)

با مقایسه جدول (۱-۳) و (۱-۴) می توان گفت اثر جوان شدن جمعیت بر روی سطح کل بیکاری که از انواع

بیکاری ساختاری است در اقتصاد ایران با اهمیت است به نحوی که شاخص جمعیت جوان ۲۵/۲ درصدی در سال

۱۳۵۵ و تداوم آن به ۲۶/۴ درصد در سال ۱۳۶۵ منجر به افزایش نرخ بیکاری در سال ۱۳۶۵ به نرخ ۱۴/۲ درصد

شد سپس با انفجار دوم جمعیت در اوایل دهه ۶۰ و جوانتر شدن جمعیت در اوایل دهه ۸۰ نرخ بیکاری به

بالاترین سطح خود طی سه دهه گذشته که معادل ۱۴/۵ درصد است رسید. (www.noormags.com)

۲- پایین بودن رشد اقتصادی:

برای جذب متقاضیانی که هر سال وارد بازار کار می شوند لازم است رشد اقتصادی ایران حداقل به

۸ درصد برسد. برای کاهش نرخ بیکاری به زیر ده درصد نیز لازم است اقتصاد ایران رشد ۹/۵ درصدی

را تجربه کند. این در حالی است که اقتصاد ایران در طی چهار سال گذشته که بهترین شرایط را

سپری کرده است به طور متوسط رشد ۵/۴ درصدی را شاهد بوده است. (www.Aftab.ir)

۳- طرح ناموفق خصوصی سازی:

طرح ناموفق خصوصی سازی شرکتهای دولتی نیز بیش از پیش بر مشکل بیکاری افزوده است.

بسیاری از شرکتهایی که در طی سالهای اخیر خصوصی شدند، بخشی از کارگران خود را اخراج

کردند و یا این که با اعلام ورشکستگی به طور کلی تعطیل شدند. در طی چهار سال گذشته بیش

بیکاری را بدنبال داشته است. (www.aftab.ir)

۴- پر شدن ظرفیت جذب نیرو در دستگاههای دولتی:

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و بویژه پس از پایان جنگ، افزایش تعداد حقوق بگیران در دستور کار دولت مردان ایران قرار گرفت. در نتیجه این سیاست بود که تعداد کارمندان دولت از ۵۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۹ یعنی آغاز عمر دولت اسلامی به ۲/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ رسید. این در حالی است که نیاز واقعی دولت به نیروی کار بسیار کمتر از رقم فعلی است. (www.Aftab.ir)

همچنین از جمله عوامل ریشه ای بحران بیکاری عبارتست از:

- تمرکز بیش از حد ثروت و سرمایه های ملی در نزد اقلیتی نوکیسه نه از راه مشروع بلکه از طریق زد و بندها و رانت جویی ها؛ حفظ این منافع تلاش رانت جویان را برای ایجاد اختلال در اصلاح امور تشدید کرده است.
- وجود مدیران نالایق که به جای خدمت به منافع ملی به فکر منافع خاندانی هستند.
- بوروکراسی نفس گیر و رخنه فساد در بخشهایی از نظام اداری - اجرایی کشور.
- وجود قوانین و مقررات بازدارنده و مخمل سرمایه گذاری های تولیدی.
- فرار مداوم نیروی انسانی نخبه و سرمایه های فیزیکی.
- ناهماهنگی بین دستگاههای اداری - اجرایی کشور. (گروه مولفان، ۱۳۸۳: ۵۲)

ایجاد آسیب های ناسی از عدم وجود سغل:

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که بیکاری و عدم وجود شغل برای جوانان موجب بروز آسیب های اجتماعی نظیر: اعتیاد، افزایش جرم و جنایت و فقر و محرومیت اجتماعی میگردد، همچنین بیکاری در میان جوانان به کاهش صیانت ذات و اغلب کناره گیری از همسالان میگردد و از آنجایی که جوانان بدون درآمد، توانایی اداره زندگی خود را ندارند به همین دلیل مدت زمان بیشتری به والدین خود وابسته میشوند، این فشار برای بسیاری از خانواده ها، مانعی برای خروج از فقر محسوب میشود، بنابراین بیکاری جوانان باعث طرد اجتماعی آنها از سوی خانواده هایشان نیز خواهد شد.

همچنین بین عدم وجود شغل مناسب و مسکن و ازدواج جوانان ارتباط تنگاتنگی وجود

دارد. (www.alef.ir)

عدم وجود شغل نیز باعث مهاجرت نخبگان از ایران میشود.

هر ساله تعداد کثیری از ایرانیان به خارج از کشور مهاجرت می کنند و برای یک زندگی بدون دغدغه راهی دیار غربت می گردند. بر حسب یک آمار حداقل هر ساله ۲۰۰،۰۰۰ نفر بعنوانین مختلف از کشور خارج می گردند به امید آینده ای روشن و بهتر. این سؤال که چه درصدی موفق می گردند و یا شکست می خورند سئوالی جدا که برای مطالعه جدی ان ابتدا باید به چرایی خارج شدن از کشور پرداخت.

کمبود و یا عدم مدیریت موفق و صحیح

کمبود و یا عدم ایجاد بازار کار متناسب با نیازها

فشار های فزاینده مالی و مذهبی

۱- کمبود و یا عدم مدیریت موفق و صحیح

اضطراب و دغدغه فردا در مورد پرداخت هزینه خانه و زندگی، پیدا کردن کار و یا کار های مناسب که بتواند پاسخگو نیاز های مالی فرد و خانواده او باشد. مشکل اکثر جوانان ایرانی است که در گوشه خانه ها تنها به پر کردن فرم مهیای استخدام مشغول اند. عدم مدیریت کارآمد و موفق یکی از مسائل اساسی و ریشه ای در جامعه ایرانی است. حسن دانشجو رشته روانشناسی می گوید با تمام سخت کوشی و مطالعات جانبی و فعالیت های عملی جهت رسیدن به شغل مورد علاقه ام موفق به دست یافتن به کار نمی شوم زیرا صلاحیت مرا فردی تعیین می کند که بر مسند قدرت نشسته و آنطور که دوست دارد عمل می کند نه برحسب تخصص و کفایت شغلی. حسن می گوید با داشتن خانواده و فرزند پس از اینهمه تحصیل و کوشش حال می بینم که کار من اشتباه محض بوده است زیرا دوستانی که تحصیل را به کنار گذاشتند و به کارهای سیاه دست زدند الحال از زندگی لذت می برند و یا حداقل همچون هر روز مثل من ۱۰۰ فرم استخدامی را بریا هر چیز و هر جا پر نمی کنند.

۱- نبود و یا عدم ایجاد بازار کار مناسب با نیازها

بارها دولتمردان ایرانی و رهبران دولتی صحبت از اشتغال زدایی کرده اند و برای جلب نظر نسل جوان خصوصا در دوره های انتخاباتی شعار های زیبا داده اند ولی متاسفانه در عمل موقعیت های چندانی بوجود نیامده است. چرا؟ علی دانشجوی تهرانی می گوید این عمل تیشه بر ریشه گذاشتن اعتبار تحصیل و دانش آموزی در ایران است. در جایکه دختران و پسران ایرانی در سن پایین دست به خود فروشی می زنند (بر حسب یک امار سن خود فروشی در شهرستان ها به ۱۳ سال می رسد) و پس از مدتی این طرز تفکر را الگو خود می کنند که اگر می توان یک شبه درآمد یک ماه کار را بدست آورد چرا باید رفت و خود را به دردسر انداخت.

۳- فشار های فزاینده مالی و مذهبی

ساده انگاری و ترویج فرهنگ قدرت مداری و فشارهای مذهبی عامل دیگر دربرون راندن جوانان ایرانی به خارج از کشور می باشد. یکی از معضلات جامعه ایرانی باور مداری و تظاهر بیش از حد به آن می باشد. محسن ازاصفان می گوید دیگر از همه چیز خسته شدم و حالم از همه چیز بهم می خوره. هر کاری که برای آن پاسخی نیست یک توجیه برای آن متصور است. خواست خداست، اراده خدا در حق تو این هست. اگر بخواهی حرف بزنی می گن کفر نگو سنگ می شی. اخه اگر این خدا را نخواهیم به چه کسی باید شکایت کرد. متاسفانه در کشورهای همانند ایران زندگی جزیی از باورهای مذهبی است در صورتیکه در اورپا و امریکا باورهای مذهبی جزیی از زندگی هستند. این موضوع یعنی ترویج فرهنگ قدرت مداری و فشارهای مذهبی در کشور ما نه تنها باعث تخریب

بورهایی مدهیمی است بدنه بحریب سنده بیروی نسل جوان است نه ریدنی را رمایی پوچ و سدار

می داند. در نتیجه این طرز تفکر فرد هیچ مسئولیتی را در قبال عملکرد و رفتارهای خود نمی بیند.

تحولات اشتغال و بیکاری: (۳۵-۷۵)

تحولات اشتغال و بیکاری کشور در طی سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ نشان می دهد که، از

۹/۷۹۶/۰۵۶ نفر جمعیت فعال کشور در سال ۱۳۵۵، ۸/۷۹۹/۴۲۰ نفر یا ۸۹/۸ درصد جمعیت شاغل

بوده است ضریب بیکاری در این سال ۱۰/۲ درصد بوده است. به ازاء هر ۶/۳ مرد شاغل ۱ زن

شاغل در سال ۱۳۵۵ در کشور وجود داشته است

حدود ۸۵/۲ درصد از فرصت های شغلی در این سال در اختیار مردان و ۱۴/۸ درصد به زنان تعلق

داشته است یعنی تفاوت آشکاری در میان اشتغال زنان و مردان در سال ۱۳۵۵ مشاهده می شود.

از ۸/۳۴۷/۰۵۰ نفر جمعیت فعال مردان حدود ۷/۵۸۷/۴۰۰ نفر یا ۹۰/۹ درصد شاغل و ۹/۱ درصد

بیکار بوده اند.

در سال ۱۳۵۵، ۱/۲۱۲/۰۲۰ فرصت شغلی در اختیار زنان بوده است ضریب اشتغال زنان ۸۳/۶ درصد

و ضریب بیکاری آنها ۱۶/۴ درصد بوده است به طوری که ملاحظه می شود تفاوت معنی داری در

میان اشتغال و بیکاری زنان در سال ۱۳۵۵ وجود دارد، بیشتر فرصتهای شغلی در اختیار مردان و

میزان بیکاری آنها از زنان هم کمتر است. (زیاری، ۱۳۸۲: ۳۸)

در سال ۱۳۶۵، در کل کشور ۱۲/۸۲۰/۲۹۰ نفر فعال اقتصادی در جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر حدود

۱۱/۰۰۱/۵۵۱ فرصت شغلی در کشور وجود داشته است از این میزان ۱۰/۰۲۶/۲۴۱ فرصت شغلی در

احیاء مردان ۱۱/۱۱ درصد و نرها ۱۲۵/۱۱۰ درصد سنی ۱۷/۱۷ درصد در اختیار ربا بوده است

در این سال ضریب اشتغال کشور ۸۳/۶ درصد و ضریب بیکاری ۱۴/۲ درصد بوده است .

ضریب اشتغال مردان ۸۷/۱ درصد و ضریب بیکاری آنان ۱۲/۹ درصد و ضریب اشتغال زنان ۷۴/۶

درصد و ضریب بیکاری آنان ۱۵/۴ درصد بوده است گرچه تفاوت آشکار و شدیدی در میان اشتغال

و بیکاری مردان و زنان در سال ۱۳۶۵ وجود دارد ولی مسأله جنگ تحمیلی و اقتصاد جنگی و

بحران ناشی از جنگ و اشغال بخش عظیمی از مناطق غربی کشور و مهاجرت مردم این مناطق به

نواحی امن ، موجب بالارفتن ضریب بیکاری و کاهش ضریب اشتغال شده است . (زیاری ، ۱۳۸۲:

۳۹)

در سال ۱۳۷۵، تعداد فرصت های شغلی کشور ۱۴/۵۷۱/۵۷۲ فرصت بوده است ضریب اشتغال کشور

به ۹۰/۹ درصد و ضریب بیکاری ۹/۱ درصد می رسد . تعداد فرصت های شغلی مردان به

۱۲/۸۰۶/۱۷۰ فرصت و تعداد فرصت های شغلی زنان در سال ۱۳۷۵ به ۱/۷۶۵/۴۰۲ و ضریب

اشتغال آنها ۸۶/۷ درصد و ضریب بیکاری آنها ۱۳/۳ درصد رسیده است .

مقایسه تعداد و ضرایب اشتغال مردان و زنان مبین آن است که تفاوت آشکاری میان مردان و زنان

وجود دارد مقایسه نسبت شاغلان مرد به شاغلان زن طی سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۷۵، ۱۳۶۵ مؤید آن است

که به ترتیب ۸۵/۲ درصد، ۹۱/۳ درصد و ۸۶/۷ درصد فرصت های شغلی در اختیار مردان بوده

است در واقع رقم سال ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ نزدیک به هم است ولی سال ۱۳۶۵ که شرایط خاص در

کشور حکمفرما بوده است ، شکاف و فاصله میان اشتغال مردان و زنان شدیدتر بوده است . (زیاری

، ۱۳۸۲: ۳۹)

در مجموع تعاون در تعداد و ضرایب اسعان مردان و زنان در کشور طی سالیهای ۱۱۵۵ و ۱۱۵۶ و

۱۳۶۵ وجود داشته است ولی بهبود نسبی اندکی در ساختار اشتغال سال ۱۳۷۵ نسبت به ۱۳۶۵

حاصل شده است

در نقاط شهری کشور، طی سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ هم تفاوت در ضرایب اشتغال بیکاری مردان و زنان مشاهده می شود.

بر اساس داده های سرشماری سال ۱۳۵۵ از کل ۹/۷۹۶/۰۵۶ فرصت شغلی حدود ۴۹/۳ درصد به نقاط شهری کشور و ۵۰/۳ درصد به نقاط روستایی اختصاص داشته است از آنجا که ضریب شهرنشینی کشور ۴۷ درصد بوده است به نظر می رسد که میزان جمعیت فعال شهری بیشتر از روستاها بوده است (۲/۳ درصد بیشتر بوده است)

به لحاظ ضریب اشتغال در سال ۱۳۵۵ حدود ۹۴/۹ درصد جمعیت فعال نقاط شهری کشور شاغل و تنها ۵/۱ درصد بیکار بوده است ضریب اشتغال مردان ۹۵ درصد و ضریب بیکاری آنها ۵ درصد، ضریب اشتغال زنان ۹۴ درصد و ضریب بیکاری آنها ۶ درصد بوده است. (زیاری، ۱۳۸۲، ۰۰۰: ۳۹)

در نقاط شهری در سال ۱۳۶۵، ۵/۹۵۳/۰۳۱ شاغل وجود داشته است

این سال مصادف با دوره جنگ تحمیلی و اقتصاد جنگی است میزان اشتغال در این سال به شدت پایین آمده (۸۴/۷ درصد) و ضریب بیکاری در طول دوره های سرشماری نفوس و مسکن کشور در سطحی بالاتر قرار دارد (۱۵/۳ درصد). (زیاری، ۱۳۸۲: ۳۹)

در نقاط شهری کشور، نسبت اشتغال مردان به زنان به ۱۰/۳ رسیده، یعنی در مقابل هر ۱۰/۳ فرصت شغلی در دست مردان، فقط یک فرصت شغلی در اختیار زنان قرار داشته است از طرفی

، حدود ۱۱/۱ درصد اسعاب نصاب شهری مسور معنی به مردان بوده است این امر موید نعاون سدید

و آشکار میان اشتغال زنان و مردان در این سال در نقاط شهری کشور است. (همان: ۴۰)

ضریب اشتغال مردان ۸۶/۴ درصد، ضریب بیکاری آنها ۱۳/۶ درصد، ضریب اشتغال زنان ۷۰/۸

درصد و ضریب بیکاری آنها ۹۲/۲ درصد بوده است

در واقع در میان سالهای مختلف این سال، سال بحرانی اقتصاد شهری کشور در بخش اشتغال و

تفاوت شدید میان مردان و زنان است

در سال ۱۳۷۵، از کل ۹/۶۵۴/۵۱۳ نفر جمعیت فعال، ۸/۷۹۹/۴۲۳ نفر شاغل (۹۱/۱ درصد)

۸۵۵/۰۹۰ نفر (۸/۹) درصد بیکار بوده است

حدود ۷/۸۰۸/۰۳۲ فرصت شغلی (۸۸/۷ درصد) در اختیار مردان و ۹۹۱۳۹۱ فرصت شغلی (یا

۱۱/۳ درصد) در اختیار زنان قرار دارد.

در واقع در مقابل هر ۷/۹ مرد شاغل تنها یک زن شاغل وجود دارد. (همان: ۴۰)

بدین سال تفاوت آشکاری میان اشتغال زنان و مردان وجود دارد علاوه بر تفاوت در ارقام مطلق

شاغلان مرد و زن، ضرایب اشتغال مردان و زنان هم با هم تفاوت دارد. ضریب اشتغال مردان ۹۱/۶

درصد و ضریب بیکاری آنان ۸/۴ درصد و ضریب اشتغال زنان ۸۷/۵ درصد و ضریب بیکاری آنان

۱۲/۵ درصد بوده است.

در نقاط روستایی کشور در سال ۱۳۵۵ از ۵/۴۶۰/۴۹۲ نفر جمعیت فعال اقتصادی، حدود

۴/۶۸۶/۷۸۴ نفر شاغل (ضریب ۸۵/۸ درصد) و ۷۷۳/۷۰۸ نفر یا ۱۴/۲ درصد بیکار بوده است.

زنان تشکیل می دهند در مقابل هر ۵/۲ نفر شاغل مرد یک زن شاغل وجود دارد. (همان: ۴۰)

تحولات بیکاری (۳۵-۷۵)

مطابق داده های مرکز آمار ایران با استناد به سرشماری های نفوس و مسکن کشور، در سال ۱۳۳۵ در کل کشور ۲/۶ درصد جمعیت فعال بیکار بوده است ضریب بیکاری در مردان ۲/۸ درصد و در زنان ۰/۳۴ درصد بوده است. (زیاری، ۱۳۸۲: ۶۷)

در این سال در نقاط شهری کشور، ضریب بیکاری ۴/۵ درصد بوده است ضریب بیکاری مردان ۴/۹ درصد و زنان ۰/۵ درصد بوده است.

در این سال در نقاط روستایی کشور، ضریب بیکاری ۱/۷ درصد و ضریب بیکاری مردان ۱/۹ درصد و زنان ۰/۲ درصد بوده است.

گرچه به لحاظ آماری در ضریب بیکاری مردان و زنان در سال ۱۳۳۵ تفاوت وجود دارد ولی در این سال به جهت سنتی بودن جامعه ایران با اقتصاد کشاورزی و مناسبات اجتماعی - تولیدی مبتنی بر زمینداری و محدودیت کار برای زنان مواجه بوده است در این سال فرزندان دنبال کننده کار پدران بوده و نوعی عدم وجود مناسبات پولی در جامعه حکفرما بوده است (همان: ۶۸)

در سال ۱۳۴۵، ضریب بیکاری کشور به شدت افزایش می یابد مسأله اصلاحات ارضی، تقسیم عادلانه زمین، صاحب زمین نشدن خوش نشینان روستا، تغییر ساخت نظام فئودالی، جایگزین نظام

سرمایه داری، نابرابری در سرمایه داری، سرسبز و سرسبز پوی، ظهور صبه جدید

متوسط و سرمایه دار، برقراری اقتصاد صنعتی، جوان شدن ساختمان نسبی جمعیت می توان برشمرد.

در نقاط شهری ضریب بیکاری ۵/۷ درصد، میان مردان ۶ درصد و زنان ۳/۸ درصد بوده است در

نقاط روستایی ضریب بیکاری ۱۱/۱ درصد، مردان ۱۱/۲ درصد و زنان ۱۰/۹ درصد بوده

است (همان: ۶۸)

به طوری که ملاحظه می شود ضریب بیکاری میان مردان و زنان در نقاط شهری و روستایی یکسان

نیست و تفاوت هایی در میان آنها دیده می شود.

با گذشت یک دهه بعد، یعنی در سال ۱۳۵۵، ضریب بیکاری تا اندازه ای افزایش می یابد و به ۱۰/۲

درصد می رسد این میزان در میان مردان به ۱۲/۹ درصد و در زنان به ۵/۱ درصد می رسد.

در این سال در نقاط شهری کشور ضریب بیکاری بسیار کمتر از نقاط روستایی بوده است این

ضریب در کل جمعیت ۵/۱ درصد، در میان مردان ۵ درصد، و در میان زنان ۵/۹ درصد بوده است.

در سال ۱۳۵۵ در نقاط روستایی ضریب بیکاری در کل جمعیت ۱۴/۱ درصد، در میان مردان ۱۲/۵

درصد و در میان زنان ۱۲/۶ درصد بوده است در این سال بالاترین ضریب بیکاری به زنان و در

نقاط روستایی تعلق داشته است

مقایسه شاخص ها، نشان می دهد که تفاوت آشکاری میان شاخصهای بیکاری و توزیع آنها در نقاط

شهری و روستایی کشور به چشم می خورد.

از دلایل عمده افزایش بیکاری میان زنان در سال ۱۳۵۵ را کاهش اشتغالزایی کشاورزی نسبت به دو

دهه قبل برای زنان می توان ذکر نمود. (همان: ۶۸)

در سال ۱۱۰۵، در کل کشور ضریب بیکاری به ۱۴/۱ درصد می رسد این ضریب در مردان ۱۱/۱

درصد و در زنان ۲۵/۴ درصد بوده است در نقاط شهری کشور، ضریب بیکاری به ۱۵/۲ درصد،

مردان به ۱۳/۶ درصد و زنان ۲۹/۱ درصد و در نقاط روستایی به ۱۲/۹ درصد، مردان روستایی ۱۲

درصد و زنان روستایی به ۲۰/۶ درصد می رسد.

افزایش ضریب بیکاری در کشور و نقاط شهری و روستایی، معلول پیامدهای جنگ تحمیلی و رکود

شدید اقتصادی ناشی از آن است میزان بیکاری در سال ۱۳۶۵ بی سابقه ترین میزان بیکاری در تمام

دوره های سرشماری ۳۵، ۴۵، ۵۵، ۷۵ است. در این تفاوت در ضرایب بیکاری میان مردان و زنان

بسیار زیاد است. زنان از ضریب بیکاری بسیار بالاتری نسبت به مردان برخوردار بوده اند.

(همان: ۶۸)

در سال ۱۳۷۵؛ جهت پایان جنگ و کاهش زاد و ولد و رونق نسبی اقتصادی، شاخص بیکاری

کاهش می یابد و به رقم ۹/۱ درصد در کل کشور می رسد.

ضریب بیکاری در این سال در میان مردان ۸/۴ درصد و در زنان ۱۳/۳ درصد، در نقاط شهری

نسبتاً وضعیت بهتر است و به ۸/۸ درصد (مردان ۸/۴ درصد، زنان ۱۲/۵ درصد) در نقاط روستایی

۹/۴ درصد (مردان ۸/۶ درصد و زنان ۱۴/۳) می رسد.

از نظر توزیع فضایی بیکاران و ترکیب جنسی عدم تعادل هایی در سطح کشور مشاهده می شود

شاخص بیکاری در بین زنان و مردان در نقاط شهری و روستایی یکسان نیست و از شرایط حاکم

اقتصادی و اجتماعی در روستاها و شهرها، به علت تفاوت در سرمایه گذاریها و نوع فعالیت ها و

گروه های عمده شغلی، ارتباط پیدا می کند. همانطوری که قبلاً ذکر شد، در بین مردان و زنان

بعبود های اسحاری در ببحاری دیده می شود . با ندست رمان و ار سان ۱۱۱۵ به بعد ، درصد

بیکاری زنان رو به افزایش گذارده است . این مسأله نشانگر امکان اشتغال بیشتر برای مردان ؛ نسبت

به مردان است همچنین کاهش اشتغال در بخش کشاورزی در سالهای اخیر نسبت به سالهای قبل از

۱۳۵۵ است که تأثیر اساسی در ساخت اشتغال زنان داشته است . (همان: ۶۹)

می توان گفت در سال ۱۳۳۵ تنها ۵۴ درصد از بیکاران در نقاط شهری بوده است ، در حالی که ۴۶

درصد آنها در نقاط روستایی استقرار داشته اند . ولی طی دو دههٔ بعد به جهت اجرای برنامه ها و

تحولات جامعه ، صنعتی شدن شهرها و تخصصی شدن امور، از میزان بیکاری در شهرها کاسته شده

و در مقابل بر میزان بیکاری در روستاها اضافه می شود . (همان: ۶۹)

به لحاظ جمعیت بیکاری در گروههای سنی ، می توان گفت ، در سال ۱۳۷۵ ، بیشترین درصد

بیکاری در کشور ، نقاط شهری و نواحی روستایی متعلق به گروه ۲۴-۲۰ سالگی یعنی آماده ترین

گروه فعالیت اقتصادی بوده است . این مسأله موید برنامه ریزی برای اشتغال جوانان به عنوان بهترین

گروه سنی جویای کار است در گروه سنی ۳۰ سال به بالا به بعد ، میزان بیکاری به تدریج افت می

کند داده های جدول زیر بیانگر آن است که حتی در گروه های سنی در نقاط شهری و روستایی

تفاوت در ضرایب بیکاری مردان و زنان مشاهده می شود . (همان: ۶۹)

در سال ۱۳۷۵:

نقاط روستایی			نقاط شهری			کل کشور			مجموعه جغرافیایی
زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	زن	مرد	کل	گروههای سنی
۲۱/۸	۹/۸	۱۲/۳	۵	۲/۹	۳/۲	۱۳/۱	۵/۷	۷/۱	۱۰-۱۴
۳۷/۹	۲۹/۳	۳۱/۳	۳۱/۸	۱۸/۶	۲۰/۷	۳۴/۷	۲۲/۸	۲۵/۱	۱۵-۱۹
۲۴/۸	۲۴/۹	۲۴/۹	۳۴/۱	۲۳/۱	۲۴/۹	۲۹/۶	۲۳/۸	۲۴/۹	۲۰-۲۴
۸/۲	۱۲	۱۱/۲	۱۴/۶	۱۵/۴	۱۵/۳	۱۱/۵	۱۴	۱۳/۶	۲۵-۲۹
۲/۶	۵/۴	۴/۸	۵/۸	۸/۱	۷/۸	۴/۳	۷/۱	۶/۵	۳۰-۳۴
۱/۲	۴	۳/۴	۲/۸	۶/۳	۵/۷	۲/۰۶	۵/۴	۴/۷	۳۵-۳۹
۰/۶	۲/۷	۲/۲	۱/۶	۴/۷	۴/۲	۱/۲	۳/۹	۳/۴	۴۰-۴۴
۰/۴	۱/۸	۱/۵	۰/۹	۳/۳	۲/۹	۰/۷	۲/۷	۲/۳	۴۵-۴۹
۰/۳	۱/۵	۱/۲	۰/۸	۲/۹	۲/۵	۰/۵	۲/۳	۲	۵۰-۵۴
۰/۳	۱/۶	۱/۳	۰/۶	۳/۱	۲/۷	۰/۴	۲/۵	۲/۱	۵۵-۵۹
۰/۳	۲	۱/۶	۰/۵	۳/۵	۳	۰/۴	۲/۸	۲/۴	۶۰-۶۴
۱	۴/۷	۳/۸	۱/۱	۷/۶	۶/۵	۱/۶	۶/۴	۵/۴	۶۵-بهبالا

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵

پدیده بیکاری، با وضع سواد و درجه تحصیلی افراد در رابطه است. برابر بررسی های انجام شده در سال ۱۳۵۵، ایران در حال گذر از نظام سنتی و فئودالی به نظام سرمایه داری و نیمه صنعتی بوده است. در دهه ۱۳۵۵، به جهت صدور نفت و دلارهای ناشی از آن، کشور شرایط خاصی به لحاظ اقتصادی و رفاه قرار گرفت. از این سال به بعد شاخص باسوادان و بی سوادان بیکار تغییراتی حاصل شد. (همان: ۷۰)

در سال ۱۱۴۵، ۱۵/۴ درصد بیکاران با سواد و ۲۴/۴ درصد بیسواد، در حالی که در سال ۱۱۵۵

حدود ۳۱/۵ درصد بیکاران باسواد و ۶۸/۵ درصد بی سواد و در سال ۱۳۷۵، ۸۲/۳ درصد بیکاران با سواد و ۱۷/۷ درصد بیسواد می باشند.

در سال ۱۳۷۵ به علت تغییرات و تحولات در ساختارها و مسأله ورود زاد ولدهای دهه های قبل به بازار کار در میزان بیکاری تحولاتی ایجاد شده است طی سالهای ۱۳۳۵ الی سال ۱۳۵۵، به جهت محدودیت در تحصیلات و مدرک تحصیلی و پایین بودن میزان باسوادی، اغلب بیکاران را بیسوادان و نیز دارندگان مدرک تحصیلی پایین تا متوسطه تشکیل می دادند. ولی از سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ و همچنین ۱۳۷۵ اغلب بیکاران را دارندگان مدرک تحصیلی عالی تشکیل می دهند. (همان: ۷۰)

***این قسمت از آمار و اطلاعات از طرح کرامت ۰۰۰۱ زیاری بنام (بررسی تفاوت ساختار اشتغال زنان و مردان در نقاط**

شهری و روستایی کشور و آینده نگری آن) که در سال ۱۳۸۲ تنظیم شده گرفته شده است.

وضعیت فعلی اسعال و بیکاری در سوریه

نرخ فعلی بیکاری در کشور طبق گفته های مسئولین کشور ۱۵،۵-۱۲ درصد است که البته نمی توان به

آن اعتماد داشت و چه بسا که نرخ بیکاری فعلی کشور بسیار بالاتر از این رقم می باشد.

پس در شرایط فعلی بازار کار کشور بسیار نابه سامان و ناتوان از جذب عرضه واردان جویای کار و

شغل است. آن گونه که برنامه ریزان تصویر کرده اند، در نتیجه انفجار جمعیت در سالهای نخست

انقلاب، کشور ما طی سالهای ۱۳۷۹-۸۳ (برنامه سوم اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی) هرساله با

ورود ۷۲۰ هزار نیروی کار جدید مواجه خواهد شد. این رقم حدود ۲/۲ برابر نیروی کار جدیدی

است که طی دهه ۱۳۶۵-۷۵ هرساله به طور متوسط وارد بازار کار می شدند. چنان چه بخواهیم به

میزان بیکاری همین حد فعلی نایل آییم لازم است که هر ساله شاهد ایجاد ۷۶۵ هزار فرصت شغلی

باشیم.

کافی است به خاطر آوریم که در خلال سالهای ۱۳۶۵-۷۵ با وجود با زسازی های وسیع مناطق جنگ

زده، استفاده از ظرفیت های راکد مانده کارخانجات، روی آوردن به قرضه خارجی بیش از ۳۰

میلیارد دلاری بیگانگان، بیش از ۳/۵ میلیون فرصت جدید شغلی یا هرساله به طور متوسط ۳۵۰

هزار شغل در سطح کلان کشور ایجاد نکرده ایم. (گروه مولفان، ۱۳۸۳: ۴۹)

همین مساله، یعنی لزوم ایجاد سالانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار فرصت شغلی، به یکی از عمده ترین چالش

های فراروی توسعه ملی تبدیل شده است. چالش از آن رو که شرایط و سازو کارهای موجود، به

هیچ وجه قادر نیست به این حجم فزاینده از تقاضاهای شغلی نیروی کار جدید پاسخ دهد. به ویژه

این که، نیمی از این نیروی کار جدید دیپلمه یا دانش آموخته عالی خواهند بود و به اقتضای چنین

نریب و نییب امورسی در بصاد باساحارما ، روس ما و رویه های سسی موجود ترار حوامد

گرفت که معمولا کارها و فعالیت‌های بدنی ، ساده و غیر تخصصی را ترویج می کنند . چون از این

نیروی دانش آموخته و تجهیز شده به فن و حرفه و تخصص نمی توان انتظار داشت که کارگری

کنند و به کارهای یدی و پیش پاافتاده تن در دهند و در طلب شغلی فراخور حرفه ، مهارت و

تخصص خود به این در و آن در نزنند و درجهت احقاق مطالبات خود نظام اجرایی مملکت را که

وقت و عمرشان را پشت میزهای دانشگاه تلف کرده ، زیر سوال نبرند. (همان : ۵۰)

بنابراین باید به فکر جدی افتاد تا قشر تحصیل کرده ما به عنوان قشر ناراضی درنیايندکه دراین

صورت مشکلات ماچندین برابر خواهد شد.

بیکاری در استان یزد:

به هرحال استان یزد هم در چند سال اخیر با مشکل بیکاری روبرو بوده استان یزد طبق سرشماری

عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ از ۴۶۴۲۲ نفر شاغل ۷۳/۰۲ درصد مردان و ۲۶/۸۷ درصد زنان اشتغال

داشته اند *

در زیر کارکنان دولت بر حسب مدرک تحصیلی آمده تا مشخص شود در سال ۱۳۷۵ چند درصد

شاغلین تحصیل کرده بوده اند:

کارکنان دولت بر حسب مدرک تحصیلی استان یزد:

کمتر از دیپلم	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتر
۱۵/۴۰	۲۴/۲۰	۱۵/۳۱	۲۹/۹۵	۲/۶۲	۱/۱۵

(این مقاله را سازمان مدیریت و برنامه ریزی در اختیار مقرر داده است).

در این تحقیق سعی شد نرخ فعالیت و بیکاری استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته ، روند تغییرات آن تحلیل گردد.

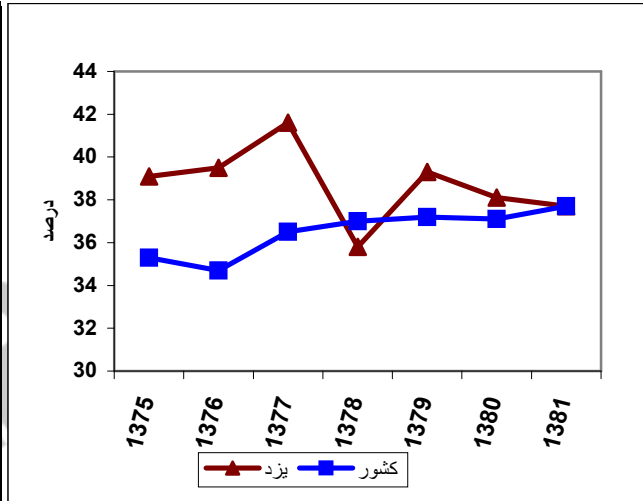
نکته قابل توجه اینکه در بررسی های اولیه مشاهده گردید تغییرات مربوط به سال ۱۳۷۸ با جامعه

آماري مورد بررسی همگن نبوده ، لذا به منظور تحلیل دقیق و جامع موضوع، این سال از تحلیل

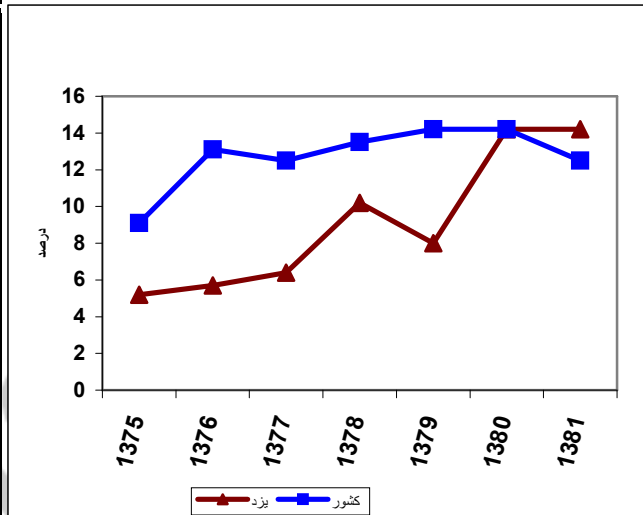
حاضر حذف گردید.(نمودارهای شماره ۲-۱ و ۲-۲ و ۲-۳ و ۲-۴)

نمودار شماره ۲-۱: نرخ فعالیت - بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر استان و کشور

()		
1375	39.1	35.3
1376	39.5	34.7
1377	41.6	36.5
1378	35.8	37
1379	39.3	37.2
1380	38.1	37.1
1381	37.7	37.7

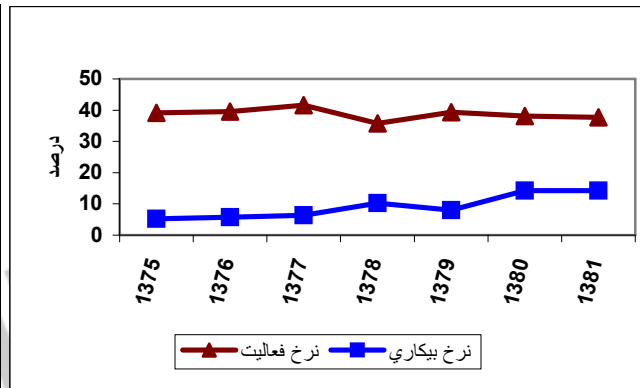


()		
1375	5.2	9.1
1376	5.7	13.1
1377	6.4	12.5
1378	10.2	13.5
1379	8	14.2
1380	14.2	14.2
1381	14.2	12.5

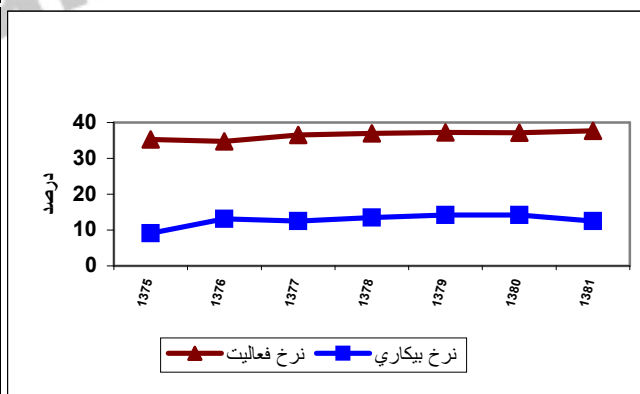


نمودار شماره ۲-۲: نرخ فعالیت و بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر استان و کشور

()		
1375	39.1	5.2
1376	39.5	5.7
1377	41.6	6.4
1378	35.8	10.2
1379	39.3	8.0
1380	38.1	14.2
1381	37.7	14.2

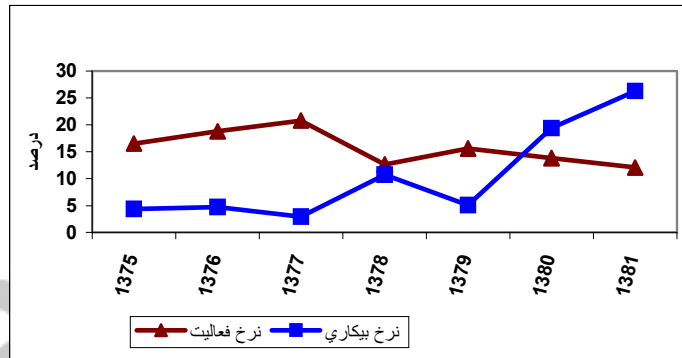


()		
1375	35.3	9.1
1376	34.7	13.1
1377	36.5	12.5
1378	37	13.5
1379	37.2	14.2
1380	37.1	14.2
1381	37.7	12.5

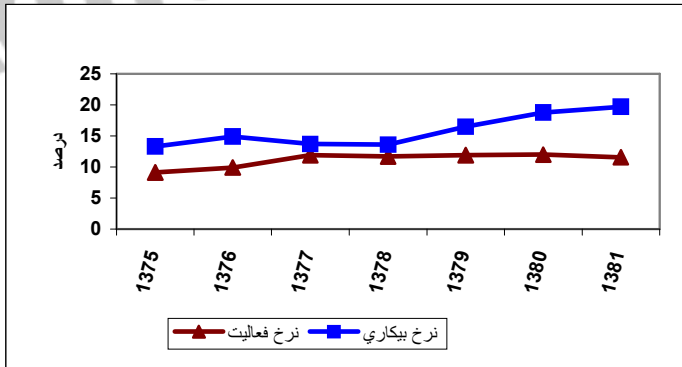


نمودار شماره ۲-۳: نرخ فعالیت و بیکاری جمعیت زنان ده ساله و بیشتر استان و کشور

()		
1375	16.5	4.4
1376	18.8	4.7
1377	20.8	2.9
1378	12.6	10.7
1379	15.6	5.1
1380	13.83	19.4
1381	12.07	26.25

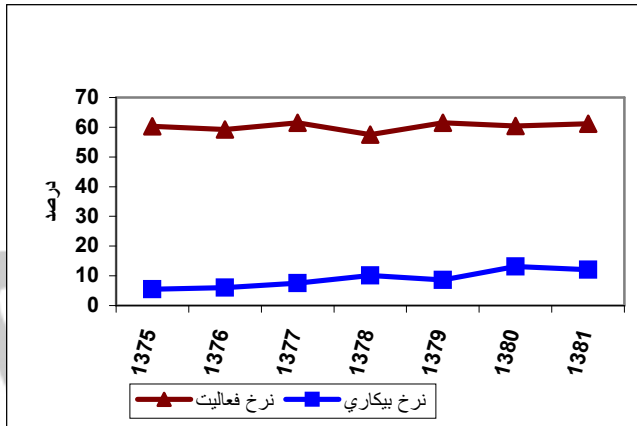


()		
1375	9.1	13.3
1376	9.9	14.9
1377	11.9	13.7
1378	11.7	13.6
1379	11.9	16.5
1380	12	18.74
1381	11.54	19.7

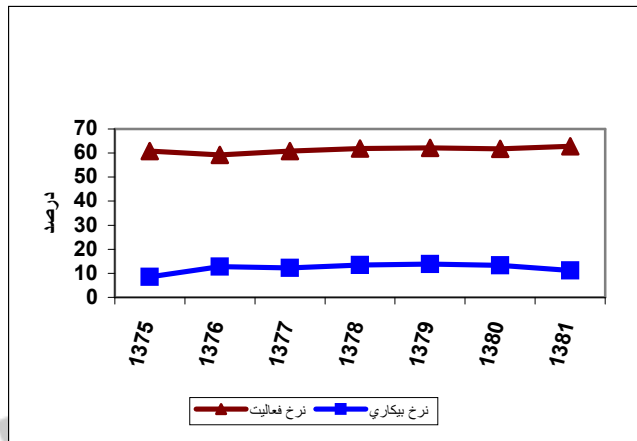


نمودار شماره ۲-۴: نرخ فعالیت و بیکاری جمعیت مردان ده ساله و بیشتر استان و کشور

()		
سال	نرخ فعالیت	نرخ بیکاری
1375	60.3	5.5
1376	59.2	6
1377	61.5	7.5
1378	57.5	10.1
1379	61.5	8.6
1380	60.4	13.15
1381	61.2	12.01



()		
سال	نرخ فعالیت	نرخ بیکاری
1375	60.8	8.5
1376	59.2	12.8
1377	60.8	12.2
1378	61.9	13.5
1379	62.1	13.8
1380	61.8	13.35
1381	62.77	11.2



بررسی نمودار ۲-۵ نشان می دهد که نرخ فعالیت در استان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۷ دارای روند صعودی و افزایشی بوده و ماکزیمم مقدار خود را در سال ۱۳۷۷ اختیار کرده و از این سال به بعد روند مذکور، سیری نزولی داشته است.

بر همین اساس از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۹، نرخ بیکاری در استان روند افزایشی با شیب ملایم داشته ولی در سال ۱۳۷۹ جهش ناگهانی در نرخ بیکاری استان مشاهده میگردد، این نرخ از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۱ تقریباً ثابت بوده است.

از انجایی که بررسی و تحلیل روند تغییرات نرخ تعاقب و بیماری، پیامد بررسی تغییرات

این روند از ابعاد مختلف میباشد لذا تجزیه و تحلیل دلایل و فرضیات موجود در این زمینه، به بعد از

بررسی روند تغییرات در بخشهای مختلف ماکول میگردد..

در این تحقیق سعی شده دلایل و فرضیات موجود در زمینه روند تغییرات نرخ بیکاری و

فعالیت در استان به طور مستدل و با استفاده از آمار و اطلاعات، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تا

حد امکان راه کارها و پیشنهادات مناسب ارائه گردد.

نکته قابل توجه آنکه عموماً در هر سرشماری یا نمونه گیری درصدی خطای آمار گیری

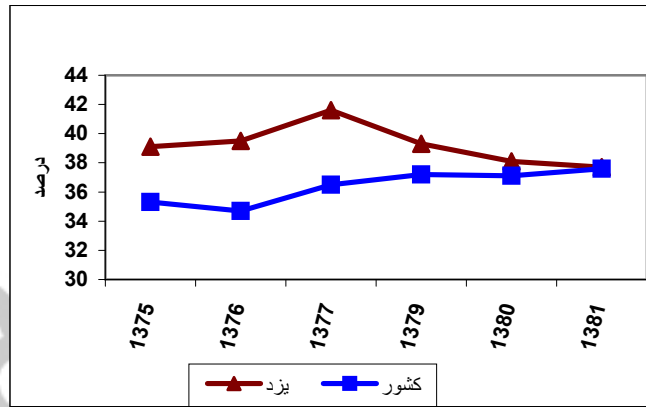
مشاهده میگردد که ناشی از مهارت آمار گیر یا پرسشگر، آشنائی و آگاهی پرسش شونده، آثار برخی

سیاستها و تغییر نگرشها در نحوه پاسخگویی بوده که با توجه به شدت و ضعف آن می تواند نتایج را

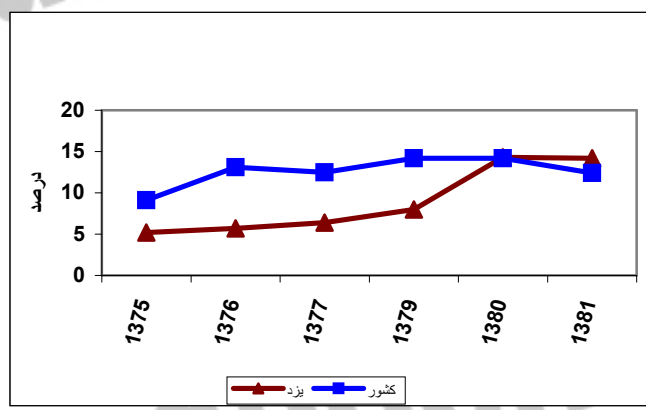
تحت تاثیر قرار دهد.

نمودار شماره ۲-۵: نرخ فعالیت - بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر استان و کشور

()		
1375	39.1	35.3
1376	39.5	34.7
1377	41.6	36.5
1379	39.3	37.2
1380	38.1	37.1
1381	37.7	37.6



()		
1375	5.2	9.1
1376	5.7	13.1
1377	6.4	12.5
1379	8	14.2
1380	14.3	14.2
1381	14.2	12.4



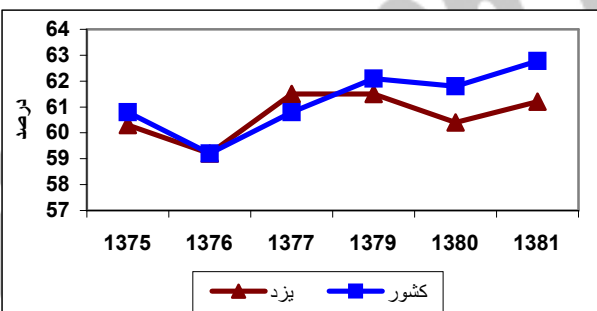
۱-۱- بررسی روند نرخ فعالیت و بیکاری مردان در استان :

الف - بررسی نرخ فعالیت :

با بررسی نمودار ۲-۶ مشخص می‌گردد که بیشترین افت نرخ فعالیت مردان در استان و کشور بین سالهای ۷۶ - ۱۳۷۵ می‌باشد. از سال ۱۳۷۶ به بعد روند منظم افزایشی در نرخ فعالیت مردان در سطح کشور مشاهده گردیده، اما در سطح استان، تغییرات نامنظم می‌باشد به طوریکه بین سالهای ۸۰- ۱۳۷۹، این نرخ مجدداً کاهش یافته و در سال ۱۳۸۰ سیر صعودی داشته است.

نمودار شماره ۲-۶: نرخ فعالیت جمعیت ده ساله و بیشتر مردان استان و کشور

1375	60.3	60.8
1376	59.2	59.2
1377	61.5	60.8
1379	61.5	62.1
1380	60.4	61.8
1381	61.2	62.77



از جمله دلایل و فرضیات موجود در زمینه افت نرخ فعالیت مردان در استان ، می توان به موارد

زیر اشاره نمود :

۱- افزایش نرخ پوشش تحصیلی ظاهری:

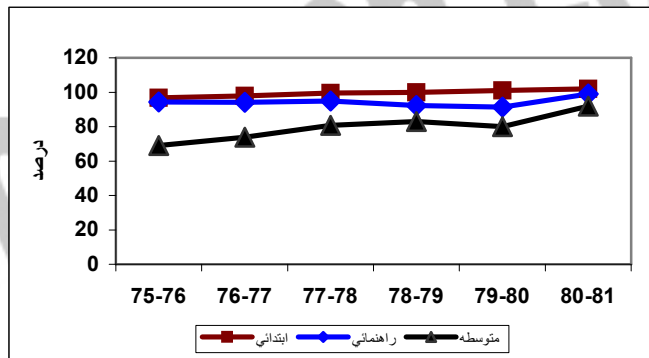
بر اساس آمار و اطلاعات نمودار شماره ۲-۷ ، نرخ ظاهری پوشش تحصیلی طی سالهای

۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ بویژه در مقطع ۸۰ - ۷۹ افزایش قابل توجهی داشته است که این وضعیت میتواند

درکنار سایر شرایط در کاهش نرخ فعالیت تاثیر گذار باشد.

نمودار شماره ۲-۷: نرخ پوشش تحصیلی ظاهری استان یزد

سال	مقطع ۷۹-۸۰	مقطع ۸۰-۸۱	مقطع ۸۱-۸۲
۷۵-۷۶	۹۶.۸	۹۴.۳	۶۹
۷۶-۷۷	۹۷.۹	۹۴.۱	۷۳.۸
۷۷-۷۸	۹۹.۶	۹۴.۹	۸۰.۸
۷۸-۷۹	۱۰۰	۹۲.۲	۸۳
۷۹-۸۰	۱۰۱	۹۱.۳	۸۰
۸۰-۸۱	۱۰۲	۹۹	۹۲



بررسی آمار و اطلاعات (نمودار شماره ۲-۸) نشان می دهد که تغییرات درصد محصلین مرد ،

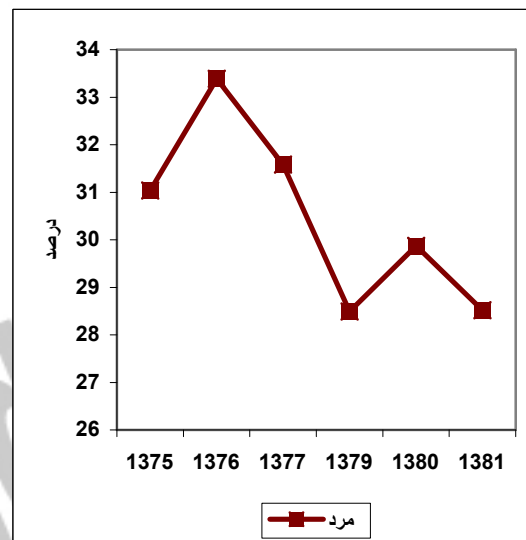
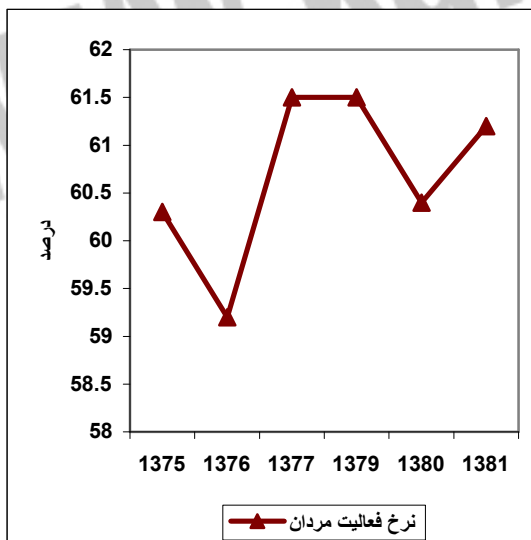
یکی از دلایل نوسانات نرخ فعالیت مردان طی سالهای ۸۱-۱۳۷۵ می باشد بطوریکه در سالهایی که

درصد محصلین مرد افزایشی بوده ، نرخ فعالیت کاهش یافته و بالعکس. در نتیجه یکی از عوامل

کاهش نرخ فعالیت مردان طی سالهای مورد بررسی ، افزایش درصد محصلین مرد بوده است.

نمودار شماره ۲-۸: درصد محصلین مرد از جمعیت ده ساله و بیشتر مردان در استان یزد

1375	30.06	31.04	29.02	60.3
1376	31.74	33.39	30	59.2
1377	30.42	31.58	29.21	61.5
1379	28.71	28.49	28.93	61.5
1380	29.99	29.87	30.22	60.4
1381	29.3	28.52	30.12	61.2



۳- تاسیس پادگانهای نظامی و پذیرش سرباز توسط آنها:

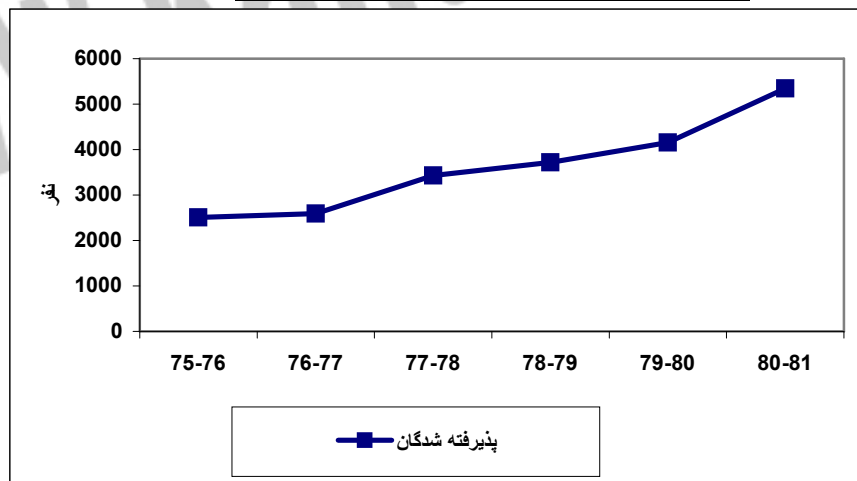
بررسیها نشان می دهد که اکثر پادگانهای نظامی یزد قبل از سال ۱۳۷۵ تاسیس شده است . از طرفی طبق تعریف مرکز آمار ، خانوارهای دسته جمعی از جمله پادگانها جز جامعه آماری محسوب نمی شود بنابراین فرضیه فوق به عنوان عامل کاهش دهنده نرخ فعالیت مردان قابل قبول نخواهد بود.

۴- تاسیس برخی از دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و افزایش ظرفیت پذیرش دانشگاهها:

آمار و اطلاعات نمودار شماره ۲-۹ حاکی از آن است که کاهش نرخ فعالیت مردان طی سالهای ۷۶-۱۳۷۵ ارتباط چندانی با تاسیس دانشگاهها و افزایش ظرفیت پذیرش آنها نداشته لیکن ظرفیت پذیرش دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در سطح استان طی سالهای ۸۰-۱۳۷۹ افزایش قابل توجهی داشته است . از آنجا که اکثر این پذیرفته شدگان فاقد خوابگاه دانشجویی بوده و مجبور به اسکان در خانه های استیجاری هستند لذا این امکان که بتواند در افزایش جمعیت غیر فعال و کاهش نرخ فعالیت موثر باشد ، وجود دارد.

نمودار شماره ۲-۹: تعداد پذیرفته شدگان مرد در دانشگاههای استان یزد

75 76	2507
76 77	2594
77 78	3429
78 79	3719
79 80	4152
80 81	5342



بررسی آمار و اطلاعات مربوطه (نمودار شماره ۲-۱۰) نشان می دهد که طی سالهای ۸۱-

۱۳۷۵، درصد مردان خانه دار در استان تغییرات چندانی نداشته و در مجموع کاهش داشته است اما

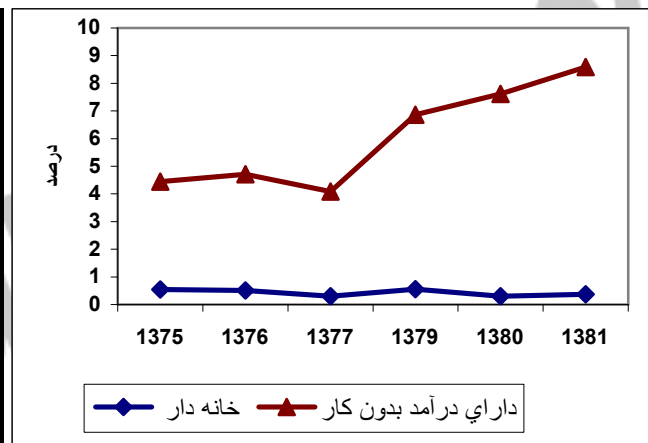
درصد افراد دارای درآمد بدون کار در این مدت، دارای افزایش قابل ملاحظه ای بوده است که این

موضوع می تواند به افزایش جمعیت غیرفعال و در نتیجه کاهش نرخ فعالیت منجر گردد.

نمودار شماره ۲-۱۰: درصد جمعیت غیر فعال خانه دار و دارای درآمد بدون کار مرد از جمعیت

ده ساله و بیشتر مردان در استان یزد

1375	0.54	4.45
1376	0.51	4.71
1377	0.3	4.08
1379	0.55	6.86
1380	0.3	7.62
1381	0.37	8.59



ب - بررسی نرخ بیکاری :

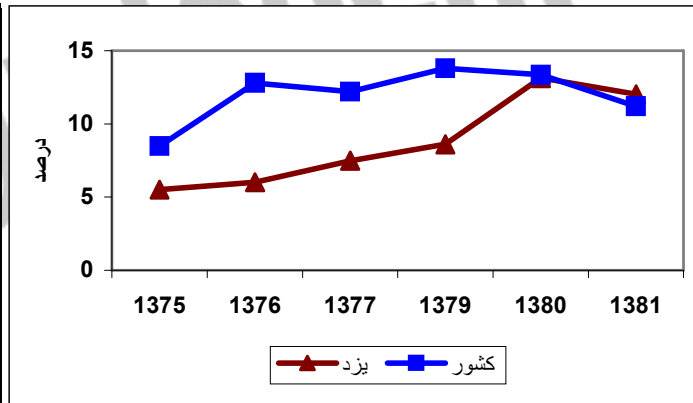
بررسی آمار و اطلاعات موجود نشان می دهد که تغییرات نرخ بیکاری مردان در سطح استان

طی سالهای ۷۹ - ۱۳۷۵ روندی افزایشی با شیب نسبتاً ملایم داشته اما طی سالهای ۸۰ - ۱۳۷۹

۸۱ - ۱۳۸۰ همگام با روند کشوری سیر نزولی داشته است

نمودار شماره ۲-۱۱: نرخ بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر مردان استان و کشور

1375	5.5	8.5
1376	6	12.8
1377	7.5	12.2
1379	8.6	13.8
1380	13.15	13.35
1381	12.01	11.2



عوامل متعددی می تواند در زمینه افزایش شدید نرخ بیکاری مردان استان طی سالهای ۸۰-

۱۳۷۹ موثر باشد . از جمله فرضیات و عوامل مطرح در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- تاثیر رکود اقتصادی سالهای گذشته بر صنایع استان از جمله صنایع نساجی ، فولاد و ... و

تعطیلی کارگاهها:

آمار و اطلاعات نمودار شماره ۲-۱۲ نشان می دهد که علیرغم کاهش ۱۰,۷ درصدی کارگاههای

صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر طی سالهای ۸۰-۱۳۷۵ (تعطیلی برخی از کارگاهها و تبدیل احتمالی

برخی از آنها به کارگاههای زیر ده نفر)، شاغلین این کارگاهها به میزان ۱۵,۳ درصد افزایش یافته

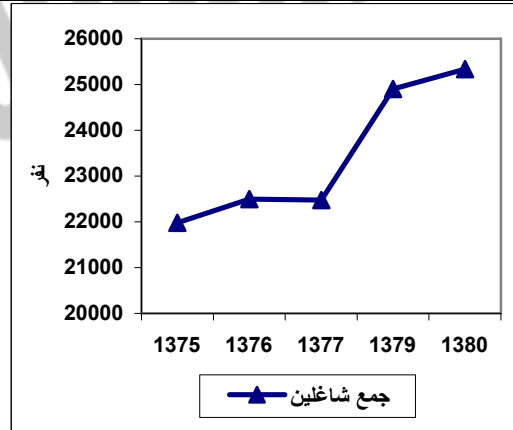
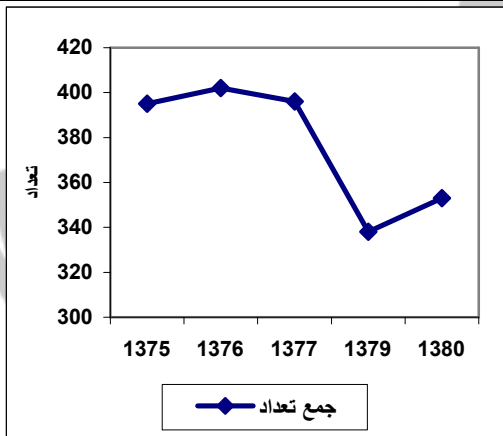
است لذا در ظاهر، این فرضیه در افزایش نرخ بیکاری مردان ، تاثیر نداشته است اما از آنجائیکه خلق

بخش عظیمی از فرصتهای شغلی جدید استان بر اساس کارکرد بخشهای عمده فعالیت ، مربوط به

بخش صنعت بویژه کارگاههای صنعتی می باشد این فرضیه می تواند بعنوان عامل عمده بیکاری

استان مطرح گردد.

			10 49		50 99		100	
1375	395	21981	315	6210	38	2681	42	13090
1376	402	22494	317	5989	44	3041	41	13464
1377	396	22475	313	5866	46	3172	37	13437
1379	338	24903	241	5354	48	3428	49	16121
1380	353	25335	254	5728	44	3134	55	16473



این فرضیه که خشکسالیهای پی‌پی در افزایش نرخ بیکاری مردان استان تاثیر داشته راز دوجنبه

می توان مورد بررسی قرار داد:

الف - بیکاری شاغلین بخش کشاورزی شهری و روستائی و مشاغل مرتبط

ب - کاهش مهاجرت مهاجران یزدی به دیگر مناطق (جیرفت ، کهنوج ، بندر عباس و...).

با این فرض که جمعیت فعال استان تغییر چندانی نیافته باشد و این تغییر و تحولات در بین

جمعیت شاغل و بیکار در نظر گرفته شود ، این پدیده می تواند در افزایش نرخ بیکاری موثر باشد.

۳- ورود مهاجرین و نیروی کار از خارج از استان :

هرچند آمار و اطلاعات دقیقی از ورود نیروی کار خارج استان شامل مهاجرین غیر یزدی و

یزدی های مقیم خارج از استان در اختیار نیست لیکن در صورت صحت این پدیده می بایست

جمعیت فعال استان افزایش یابد و به تبع آن نرخ فعالیت نیز افزایش یابد اما آمار و اطلاعات موجود

نشان دهنده کاهش قابل توجه نرخ فعالیت بوده که بر این اساس قوت این فرضیه در افزایش نرخ

بیکاری کاهش می یابد.

۴- ورود قشر تحصیلکرده مرد به بازار کار:

آمار و اطلاعات نمودار شماره ۲-۱۳ حاکی از آن است که فارغ التحصیلان مرد دانشگاهها در

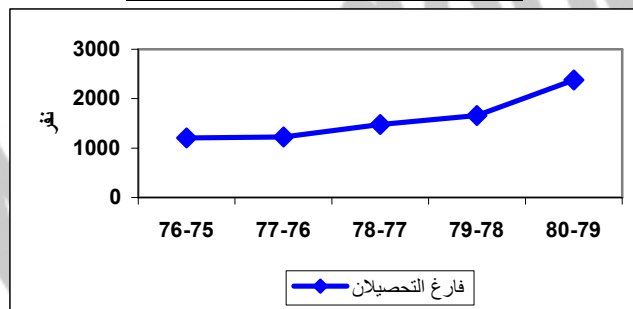
سالهای ۷۸ - ۱۳۷۷ افزایش قابل توجهی داشته است که این فارغ التحصیلان با احتساب دو سال

خدمت سربازی در سالهای ۸۰ - ۷۹ وارد بازار کار شده اند و لذا این عامل می تواند در افزایش

نرخ بیکاری استان موثر باشد اما کاهش نرخ فعالیت ، شدت تاثیر این فرضیه را کاهش می دهد.

نمودار شماره ۲-۱۳: تعداد فارغ التحصیلان مرد دانشگاه‌های استان یزد

76-75	1208
77-76	1225
78-77	1475
79-78	1660
80-79	2381



۵ - وجود کارگران و شاغلین خارجی از جمله افغانها :

بررسی‌ها نشان می‌دهد که قسمت اعظم کارگران خارجی از جمله افغانها عموماً در مشاغل سخت و طاقت فرسا نظیر کوره‌های آجر پزی، جاده‌سازی، ساختمان و... فعالیت داشته‌اند از طرفی طی سالهای اخیر بدلیل برخی تغییر و تحولات در کشور افغانستان و اعمال برخی محدودیتها، تعدادی از این مهاجرین به کشورشان باز گشته‌اند حتی بفرص عدم کاهش جمعیت افغانه استان، نوع مشاغل مرتبط به نحوی است که در کوتاه مدت توان جذب نیروی کار بومی را نخواهد داشت، لذا این پدیده نمی‌تواند بعنوان عامل موثر در افزایش نرخ بیکاری استان طی سالهای اخیر محسوب گردد. تنها در صورت وجود اهرمهای مناسب جهت بازگشت مهاجرین افغانه و اصلاح مشاغل مرتبط می‌توان این موضوع را بعنوان راهکار مناسب در جهت کاهش بیکاری استان عنوان نمود.

الف - بررسی نرخ فعالیت:

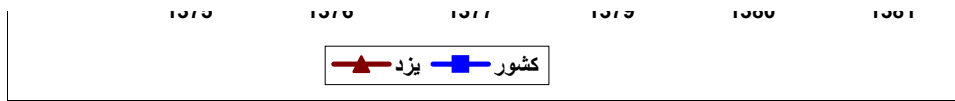
نرخ فعالیت زنان در استان یزد تا سال ۱۳۷۷ روند افزایشی و تقریباً منظمی داشته است و ماکزیمم آن مربوط به همین سال می باشد و از این سال به بعد نرخ فعالیت دارای سیر نزولی بوده است این در حالی است که روند کشوری دارای سیر صعودی با شیب ملایم و طبیعی است. (نمودار شماره ۲-۱۴)

شاید بتوان سیر صعودی نرخ فعالیت زنان در سطح استان یزد را همگام با روند کشوری، مسئله ای طبیعی قلمداد نمود اما کاهش ناگهانی این نرخ طی سالهای ۷۹-۱۳۷۷ و سیر نزولی آن در سالهای بعد نیاز به بحث و بررسی خواهد داشت.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید

یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

نمودار شماره ۱-۱۴. نرخ تعاقب جمعیت ده ساله و بیسر زنان اسنان و نسور



:

از جمله فرضیات مطرح در مورد کاهش نرخ فعالیت زنان می توان به افزایش نرخ پوشش

تحصیلی (نمودار شماره ۲-۷)، افزایش جمعیت زنان خانه دار و افزایش زنان بدون کار دارای درآمد

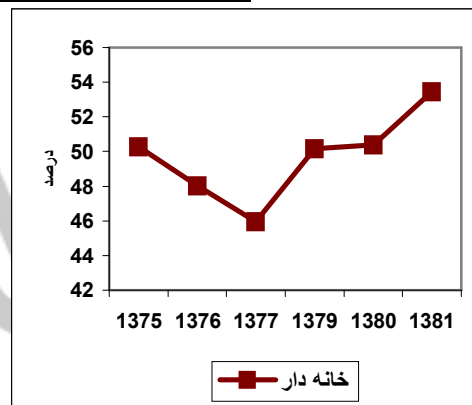
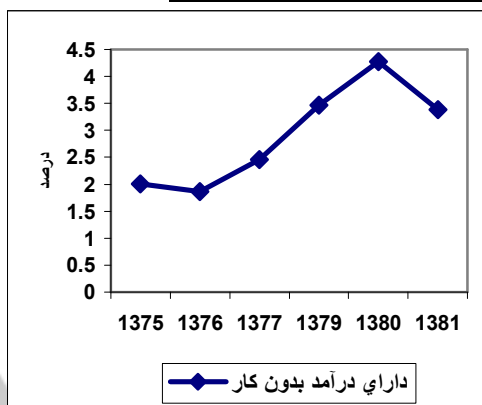
(نمودار شماره ۲-۱۵) اشاره نمود که با توجه به بررسیهای قبلی می تواند در کاهش نرخ فعالیت

زنان موثر باشد.

نمودار شماره ۲-۱۵: درصد جمعیت غیر فعال خانه دار و دارای درآمد بدون کار زن از جمعیت

ده ساله و بیشتر زنان در استان یزد

1375	2.01	50.29
1376	1.86	48.03
1377	2.46	45.95
1379	3.47	50.17
1380	4.27	50.4
1381	3.38	53.44



علاوه بر موارد فوق ، عوامل دیگری که در زمینه کاهش نرخ فعالیت زنان در سطح استان

مطرح می باشد عبارتست از:

۱- گسترش آموزش بویژه آموزش عالی در میان زنان (افزایش تعداد محصلین)

شواهد و بررسیها نشان می دهد که طی سالهای اخیر آموزش عالی در بین زنان گسترش قابل

توجهی داشته ، در طی همین مدت از تعداد دانش آموزان بویژه در مقطع ابتدایی کاسته شده است اما

در مجموع درصد محصلین زن استان افزایش یافته است که این عامل می تواند در کاهش نرخ

فعالیت زنان مؤثر باشد. (نمودار شماره ۲-۱۶)

نمودار شماره ۲-۱۶: درصد محصلین زن در استان یزد

1375	30.06	31.04	29.02
1376	31.74	33.39	30
1377	30.42	31.58	29.21
1379	28.71	28.49	28.93
1380	29.99	29.87	30.22
1381	29.3	28.52	30.12



برخی فرضیات بر این موضوع اشاره دارد که تغییر نگرش و فرهنگ جامعه در اظهار " بیکار

بودن " تاثیراتی را در نرخ فعالیت و بیکاری مخصوصا در قشر زنان داشته است، بطوری که در

سالهای قبل، اینکه گفته شود " بیکارم " پدیده ای نا میمون و نا پسند بوده ولیکن امروزه به دلایل

متعدد این اظهار نظر سهل و آسان است اما اینکه این تغییر نگرش چه تاثیری داشته است، در اینجا

مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

جمعیت شاغل + جمعیت بیکار(جویای کار) = جمعیت فعال

$$\text{نرخ فعالیت} = \frac{\text{جمعیت فعال}}{\text{کل جمعیت ده ساله و بیشتر}}$$

روابط فوق نشان می دهد، در صورت صحت فرضیه تغییر نگرش، می بایست جمعیت فعال

افزایش یابد. با توجه به کاهش نرخ فعالیت، این موضوع زمانی مصداق خواهد داشت که افزایش

فوق العاده ای را در کل جمعیت ده ساله و بیشتر شاهد باشیم لذا آمار و اطلاعات نشان دهنده این

افزایش نبوده، بنابراین ادعای فوق مبنی بر تغییر نگرش زنان به مسئله بیکاری نمی تواند عامل مهمی

در کاهش نرخ فعالیت باشد.

بررسی نرخ بیکاری زنان در استان نشان می دهد این نرخ تا سال ۱۳۷۹ روندی طبیعی همراه

با نوسانات اندک داشته ولی طی سالهای ۸۰-۱۳۷۹ جهش ناگهانی در این نرخ مشاهده گردیده و از

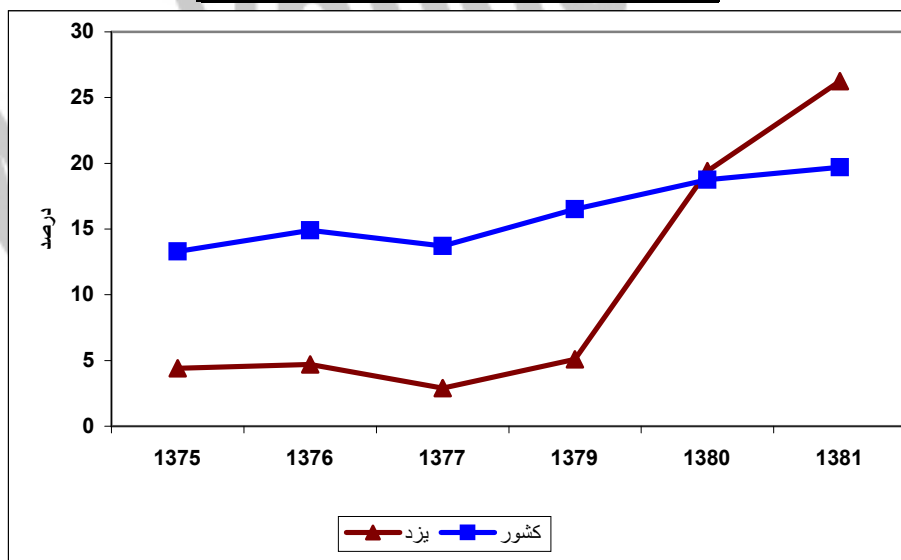
سال ۱۳۸۰ به بعد این روند صعودی با شیب اندکی ملایمتر بوده است. (نمودار شماره ۲-۱۷)

می توان گفت یکی از عوامل بالا بودن نرخ بیکاری استان از سالهای ۱۳۸۰ به بعد، بالا بودن نرخ

بیکاری زنان می باشد.

نمودار شماره ۲-۱۷: نرخ بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر زنان استان یزد و کشور

1375	4.4	13.3
1376	4.7	14.9
1377	2.9	13.7
1379	5.1	16.5
1380	19.41	18.74
1381	26.25	19.7



:

نکته ای که باید به آن توجه نمود این است که بعلت پائین بودن تعداد شاغلان زن، حتی

تغییرات نسبتاً اندک در آن باعث نوسانات بزرگ در نرخ بیکاری می گردد

از جمله عوامل و فرضیات مطرح در مورد افزایش ناگهانی نرخ بیکاری زنان در سطح

استان می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۱- ورود فارغ التحصیلان زن به بازار کار

آمار و اطلاعات نمودار شماره ۲-۱۸ نشان می دهد که فاغ التحصیلان زن دانشگاههای استان

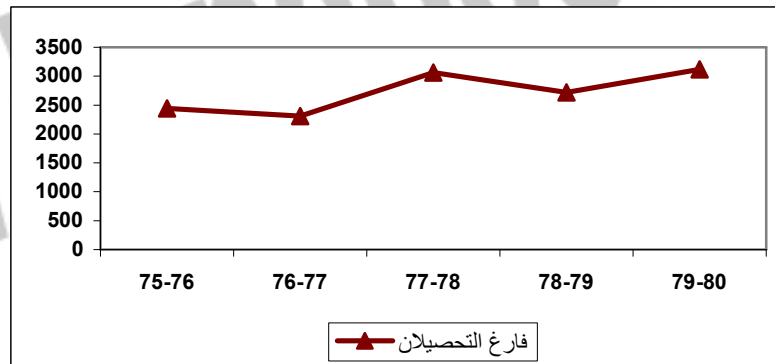
طی سالهای ۸۰-۱۳۷۵ با افزایش روبرو بوده است که این عامل می تواند در در کنار سایر عوامل

در افزایش نرخ بیکاری زنان مؤثر باشد. (با توجه به در دسترس نبودن آمار فارغ التحصیلان بومی و

یکسان بودن روند پذیرش دانشجو و فارغ التحصیلی در کل دانشگاههای کشور، آمار فارغ

التحصیلان زن دانشگاههای استان ملاک عمل می باشد.)

75-76	3834	2445
76-77	4978	2307
77-78	6354	3062
78-79	6026	2717
79-80	6752	3120
80-81	8219	-



۲- بحران خشکسالی و بیکاری زنان روستائی و حاشیه شهری

۳- تعطیلی کارگاهها و صنایع بویژه صنایع نساجی

همانطور که قبلا اشاره شد تاثیر کاهش تعداد کارگاههای دایر (تعطیلی و تبدیل احتمالی

کارگاهها)، نه از جهت کاهش تعداد شاغلین موجود بلکه از لحاظ عدم ایجاد فرصتهای شغلی

جدید مورد توجه و اهمیت می باشد. نکته قابل توجه آنکه، بعلت حجم کوچکتر جمعیت زنان

شاغل در کارگاهها، تاثیر بحرانها بر نرخ بیکاری این قشر شدیدتر خواهد بود. (نمودار شماره ۲-۱۲)

بررسی های غیررسمی نشان می دهد که اکثریت قریب به اتفاق زنان و دختران روستائی و شهرهای حاشیه ای استان در سالهای گذشته به صنایع دستی به ویژه صنایع قالی بافی اشتغال داشته اند اما در سالهای اخیر به دلایل متعددی از جمله عدم توجه کافی به این صنایع، مقرون به صرفه نبودن آنها، تغییر نگرش زنان نسبت به صنایع روستائی و... سبب شده است که قسمت اعظم اشتغال در این بخش از بین برود و شاید بتوان گفت که بخش عمده بیکاری زنان در سطح استان مربوط به همین قضیه می باشد.

۵- مهاجرت روستائیان به شهر و بیکاری زنان مهاجر:

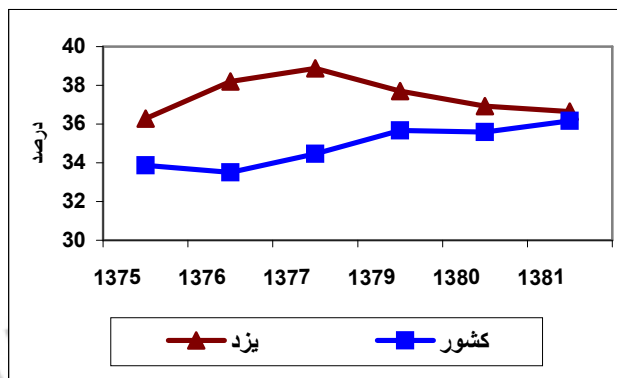
شهرنشینی در استان یزد به دلیل شرایط اقلیمی و غالب بودن نقش تجارت و صنعت همواره بالا بوده است اما در سالهای اخیر به دلیل خشکسالیهای پی در پی، عدم ایجاد مشاغل جدید در روستاها، کافی نبودن درآمد حاصل از کشاورزی در روستاها، زرق و برق شهرنشینی، رقابت و چشم و همچشمی جهت شهری شدن در بین روستائیان، سودآوری بیشتر فعالیتهای خدماتی و سوداگری در شهرها نسبت به فعالیتهای کشاورزی و تولیدی در روستاها و... تعداد زیادی از روستائیان به شهرهای استان بویژه مرکز استان مهاجرت نموده اند. این مهاجرتها هر چند ممکن است سبب اشتغال بهتر مردان خانوار و در نتیجه درآمد بالاتری برای آنها شده باشد اما از سوی دیگر سبب بیکاری تعداد زیادی از زنان و دیگر افرادی از خانوار شده است که بهر صورت در روستا به کاری مشغول بوده اند.

الف - بررسی نرخ فعالیت:

نرخ فعالیت شهری در استان یزد تا سال ۱۳۷۷ روندی افزایشی داشته و از این سال به بعد سیر نزولی را طی نموده است این در حالی است که نرخ فعالیت شهری در سطح کشور در طول سالهای ۸۱-۱۳۷۵ دارای سیر صعودی و نوسانات اندکی بوده است (نمودار شماره ۲-۱۹).

نمودار شماره ۲-۱۹: نرخ فعالیت جمعیت ده ساله و بیشتر شهری در استان و کشور

1375	36.28	33.87
1376	38.2	33.51
1377	38.88	34.47
1379	37.7	35.67
1380	36.92	35.59
1381	36.65	36.17



دلایل و فرضیات :

در اینجا نیز دلایل و فرضیات مطرح شده درباره کاهش نرخ فعالیت مردان و زنان در سطح استان، مصداق خواهد داشت.

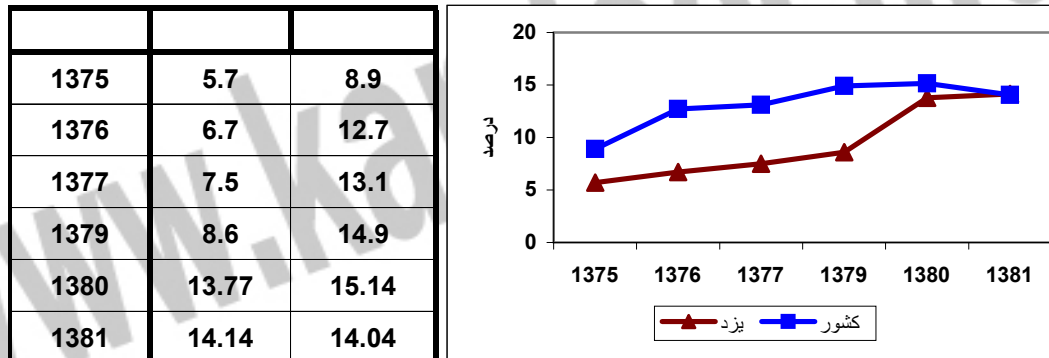
ب - بررسی نرخ بیکاری:

این بررسی نشان می دهد نرخ بیکاری شهری استان طی دوره ۸۱-۱۳۷۵ صعودی بوده، ضمن اینکه طی سال ۸۰-۱۳۷۹ افزایش شدیدی در این نرخ مشاهده می گردد. نکته قابل توجه آنکه نرخ

بیکاری شهری در نسور دارای روندی یسواحت و اترایسی بوده و از سال ۱۳۸۰ بعد نیر سروح به

کاهش نموده است. (نمودار شماره ۲-۲۰)

نمودار شماره ۲-۲۰: نرخ بیکاری جمعیت ده ساله و بیشتر شهری در استان و کشور



دلایل و فرضیات:

از جمله عوامل موثر و فرضیات موجود در زمینه افزایش نرخ بیکاری شهری در استان، موارد

زیر قابل توجه است:

۱- رکود در صنایع استان و تعطیلی کارگاهها و کارخانجات صنعتی استان:

بحران در صنعت استان به دلایل عمده، که بیشتر ناشی از مشکلات کمبود سرمایه گذاری،

مدیریت، به روز نبودن تکنولوژی تولید، توجه کم به آموزش نیروی انسانی و بازاریابی و بهره وری

پائین، نبود بهسازی متناسب و ورود بی رویه کالای قاچاق می باشد، سبب حداقل استفاده از

ظرفیت تولیدی تعداد قابل توجهی از کارگاهها و تعطیلی برخی از آنها گردیده که افزایش بیکاری

استان را نه به جهت بیدار شدن مسافران آن، بلکه بیسر بدلیل عدم ایجاد فرصتهای جدید اسعان به

همراه داشته است. از طرفی با توجه به اینکه قسمت عمده صنایع استان، در شهرها تمرکز یافته

است لذا قسمت عمده بحران حاصل از این قضیه در نرخ بیکاری شهری بروز خواهد کرد. (نمودار

شماره ۲-۱۲)

۲- بحران خشکسالی :

خشکسالیهای اخیر از دو جهت بر افزایش نرخ بیکاری اثر گذار بوده است. از یک طرف

خشکسالی بطور مستقیم سبب بیکاری تعداد قابل توجهی از کشاورزان حاشیه شهر یزد و دیگر

شهرهای استان گردیده است و از طرفی این پدیده سبب مهاجرت عده ای از روستائیان به شهرها

شده است از آنجائیکه تعداد زیادی از مهاجران به محض ورود به شهر قادر به یافتن شغل نیستند

بنابراین نرخ بیکاری شهری را افزایش می دهند.

۳- ورود قشر تحصیلکرده به بازارکار:

همانطور که در بخشهای مربوط به زنان و مردان بررسی گردید، ورود قشر تحصیلکرده به

بازارکار می تواند نرخ بیکاری را افزایش دهد. حال با توجه به اینکه زمینه جذب فارغ التحصیلان

در روستاها و صنایع روستائی کمتر می باشد و از طرفی این افراد به دلایلی حاضر به انجام هر گونه

فعالیتی نیستند (تمایل به انجام کارهای غیر یدی)، بنابراین فشار مضاعفی بر بازارکار شهری

تحمیل می گردد. شایان ذکر است که چون بازار کار شهری قادر به ایجاد فرصتهای شغلی جدید به

اندازه تقاضای آن نیست طبیعتا نرخ بیکاری شهری افزایش خواهد یافت. انتظار می رود تاثیر این

پدیده بر اثر ایس بیجاری شهری حسی در صورت ایجاد ترسهای سعی جدید در صیغ شهری و

روستائی تا مدتی ادامه داشته باشد.

۴- برخورد نادرست با بازارکار بخش غیر رسمی اقتصاد:

همانطور که در بخش مبانی نظری نیز بیان شد، بخش غیر رسمی جزء لاینفک اقتصاد شهری در کشورهای در حال توسعه بشمار می رود. کارکرد صحیح این بخش می تواند باعث رونق اقتصادی و حتی اجتماعی شهر گردد و رکود آن باعث بروز مشکلات عدیده در بخشهای مختلف شهر می شود. به عبارتی می توان گفت که شناخت صحیح بازارکار بخش غیر رسمی و عملکرد مناسب در قبال آن می تواند بخش عمده ای از بحران بیکاری شهری را حل نماید. نکته قابل توجه آنکه باید بین اقتصاد بخش غیر رسمی و اقتصاد زیرزمینی (که غیر قانونی است) تفاوت قائل شد. از بنگاهها و کارگاههای خانوادگی و خانگی، کارکنان مستقل یا خویش فرما (که به حساب خودشان کار می کنند) و... می توان به عنوان بخشهایی از اقتصاد بخش غیر رسمی نام برد.

بررسیها نشان می دهد که در سالهای اخیر، قوانین کار و تامین اجتماعی نه تنها حامی و

پشتیبان بخش غیر رسمی نبوده بلکه باعث تضعیف و کم رنگ شدن آن گردیده است.

۵- افزایش رفاه افراد و خانوارها:

یکی از مواردی که می تواند باعث افزایش سطح بیکاری در بین افراد و جامعه گردد، بالا رفتن

میزان رفاه خانوارها می باشد. این عامل سبب می گردد که افراد، حاضر به قبول همه نوع کار و

فعالیتی نباشند و در نتیجه نرخ بیکاری افزایش یابد. به عبارتی افزایش سطح رفاه، سبب افزایش نرخ

طبیعی بیکاری می گردد

یکی از مهمترین معیارهای سنجش میزان رفاه خانوارها، بحث بودجه خانوار یا همان درآمد و

هزینه می باشد. بررسی اطلاعات نمودار شماره ۲-۲۱ نشان می دهد که هرچند درآمد خانوارهای

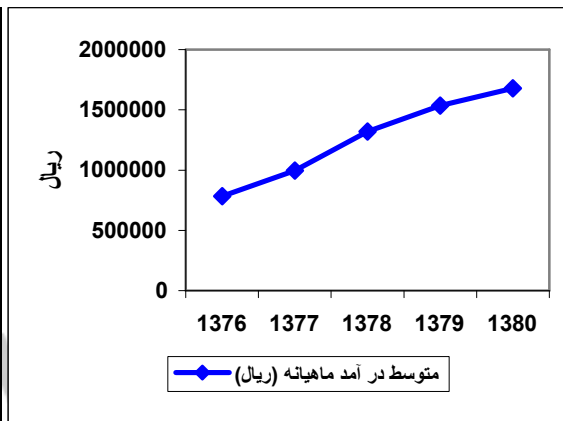
شهری در استان یزد طی سالهای اخیر افزایش یافته اما تغییرات جایگاه آنها در بین دیگر استانهای

کشور از حیث میزان درآمد و نسبت درآمد به هزینه بگونه ای نیست که بتوان آن را ملاک رفاه زیاد، تلقی

نمود. در مجموع نمی توان افزایش رفاه را عامل مهمی در افزایش بیکاری شهری به حساب آورد.

نمودار شماره ۲-۲۱: متوسط درآمد ماهیانه و نسبت درآمد به هزینه خانوار شهری در استان یزد

	()		
1376	783515	0.85	18
1377	996614	0.75	26
1378	1320068	0.79	23
1379	1535005	0.87	17
1380	1679630	0.9	12



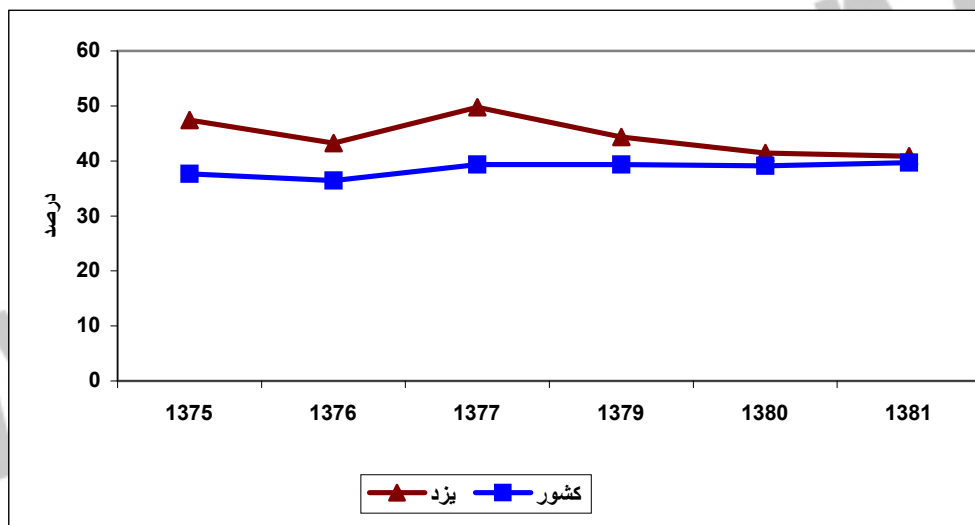
الف - بررسی نرخ فعالیت:

تغییرات نرخ فعالیت روستائی استان یزد تقریباً مشابه روند تغییرات شهری است. (نمودار

شماره ۲-۲۲)

نمودار شماره ۲-۲۲: نرخ فعالیت جمعیت ده ساله و بیشتر روستایی در استان و کشور

1375	47.43	37.64
1376	43.26	36.41
1377	49.77	39.35
1379	44.35	39.32
1380	41.46	39.12
1381	40.85	39.67



دلایل و فرضیات :

در مورد دلایل افت نرخ فعالیت روستائی می توان به مواردی همچون افزایش نرخ پوشش

تحصیلی (نمودار شماره ۲-۷)، افزایش جمعیت غیر فعال مثل افراد خانه دار و افراد بیکار دارای

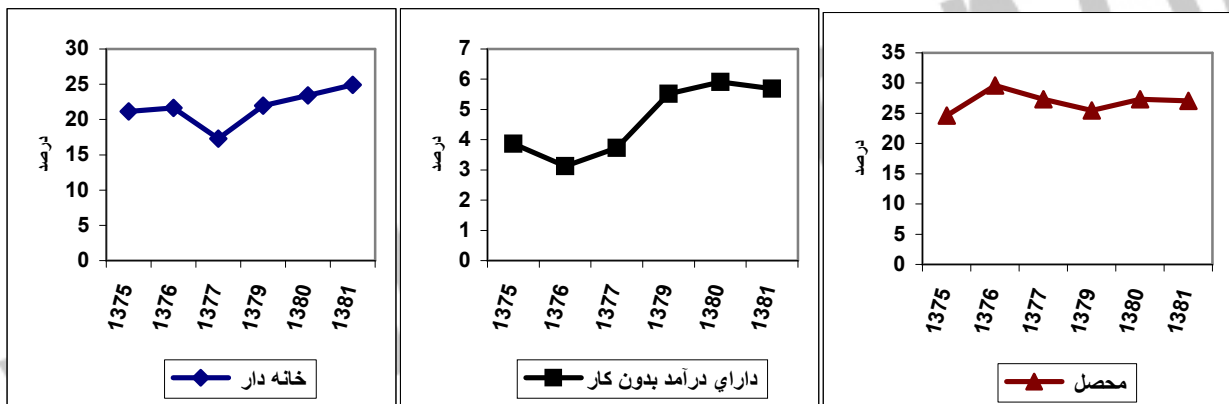
درآمد و اترایس تعداد محصلین / نمودار شماره ۱-۱۱، مهاجرت نیروی کار از روستا / تعدادی از

نیروی کار روستا برای کار به شهر مراجعه می کنند ولی خانواده آنها در روستا ساکنند (اشاره نمود.

نمودار شماره ۲-۲۳: درصد محصلین ، افراد دارای درآمد بدون کار و افراد خانه دار روستایی

از جمعیت ده ساله و بیشتر روستایی در استان یزد

1375	21.15	3.87	24.62
1376	21.67	3.12	29.62
1377	17.31	3.73	27.3
1379	21.97	5.52	25.49
1380	23.43	5.91	27.31
1381	24.92	5.69	27.05



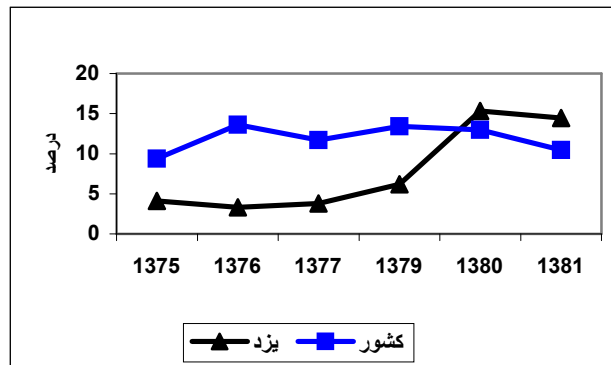
ب - بررسی نرخ بیکاری :

بررسی نمودار شماره ۲-۲۴ نشان می دهد که نرخ بیکاری روستائی از سال ۱۳۷۶ تا سال

۱۳۷۹ دارای سیر صعودی بوده و طی سالهای ۸۰-۱۳۷۹ افزایش ناگهانی داشته و این نرخ از سال

۱۳۸۰ به بعد مجددا کاهش یافته است.

1375	4.1	9.4
1376	3.3	13.6
1377	3.8	11.7
1379	6.2	13.4
1380	15.31	12.98
1381	14.47	10.46



دلایل و فرضیات :

مهمترین دلایل افزایش نرخ بیکاری روستائی در استان طی سالهای ۸۰-۱۳۷۶ را می توان

بحران خشکسالی و تبعات ناشی از آن، عدم توجه به صنایع روستائی مثل قالی بافی، حصیر بافی و

... و عدم سرمایه گذاری در صنایع روستائی جهت ایجاد فرصتهای شغلی جدید برشمرد.

نکته قابل توجه آنکه به دلیل افزایش مهاجرین روستائی به شهرها، تعداد افراد فعال و شاغل در

روستا تا حدود زیادی کاهش یافته است، بنابراین تغییرات اندک در میزان بیکاری می تواند

نوسانات زیادی را در نرخ بیکاری روستائی به همراه داشته باشد.

نکته مهم دیگر اینکه سیر نزولی نرخ بیکاری روستائی از سال ۱۳۸۰ را می توان به عواملی

چون ترسالیهای یکی دوسال اخیر، کاهش جمعیت روستائی و جمعیت فعال آن، توجه به روشهای

نوین و پر بازده کشاورزی همچون کشت های گلخانه ای و ... نسبت داد.

فصل سوم - نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات :

بدون شک مسئله بیکاری را نمی توان تنها از منظر اقتصادی نگاه کرد بلکه بحرانی است که از جوانب مختلف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی قابل بحث و بررسی است .

تجربه نشان داده است که برای حل معضل بیکاری چاره ای جز توجه به تمام جوانب فوق و همچنین تعامل مناسب با تحولات جهانی نبوده ، بسیج کلیه امکانات مادی و معنوی جامعه و استفاده از تمامی ظرفیتهای بالقوه آن را می طلبد. همانطور که قبلا نیز عنوان شد در این تحقیق سعی شده است تا عوامل و فرضیات مطرح در مورد نوسانات نرخ فعالیت و بیکاری در استان یزد با استفاده از آمار و اطلاعات و بطور مستدل مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد اما این پژوهش نیز مانند هر مطالعه دیگر به دلایل متعددی از جمله فقدان آمار و اطلاعات در برخی از موارد ، دارای نقایصی می باشد امید است که این کار بتواند سر آغازی برای پژوهشهای دقیق تر و جامعتر در این زمینه باشد .

قبل از هر چیز باید توجه نمود که نوع تعریف فعال بودن از نظر اقتصادی و بیکاری ، مهارت و نحوه پرسش آمارگیر تاثیر بسزایی در نتایج حاصله خواهد داشت . همچنین نحوه پاسخگویی پرسش شوندگان که متاثر از مسائل اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی است نیز نتایج را تحت تاثیر قرار خواهد داد .

موضوعاتی از قبیل جریانات و مسائل سیاسی و اجتماعی نظیر اظهار بیکاری جهت اخذ وام و تسهیلات ، عدم انطباق تحصیلات و دوره های آموزشی با بازار کار ، تغییرات تکنولوژیکی ، تغییرات رفاه خانوارها ، افت و خیز فرهنگ کار در بین اقشار جامعه ، عدم وجود شرایط مناسب

جهت سرمایه گذاری ، حدود جهانی و نحوه برخورد با آن ، چگونگی اسعاده از موقعیتهای بین

المللی جهت سرمایه گذاری در داخل و... از جمله مسائلی هستند که همواره بازار کار را مورد

تغییر و تحول قرار می دهند و بالطبع بازار کار استان نیز از این مسئله مستثنی نخواهد بود .

نکته قابل توجه و اساسی دیگری که در زمینه تحولات نرخ بیکاری استان مطرح می گردد،

بحث امنیت و موقعیت ویژه استان در دهه شصت (دوران جنگ تحمیلی) و از دست رفتن آن در

دهه هفتاد می باشد. بویژه آنکه دولت از نظر تزریق اعتبار عمرانی ، سهمیه برای اشتغال ، تسهیلات

اشتغالزایی و... مزیت‌های خاصی برای استانهای محروم و مرزی و دیگر استانهایی که قبلا از لحاظ

امنیتی دچار مشکل بوده اند ، ایجاد نموده است.

از اینرو مسئله اساسی بررسی و شناخت دلایل و ریشه های بیکاری و ارائه راهکار مناسب

جهت حل و فصل این معضل و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی استان می باشد

نتایج عمده ای که از بررسی روند تغییرات نرخ فعالیت و بیکاری در استان یزد حاصل شده

است را می توان به صورت زیر خلاصه نمود .

۱- به دلایل زیر بیکاری در استان یزد بیشتر از نوع بیکاری ادواری ، طبیعی و در برهه ای از زمان

فصلی تشخیص داده می شود .

الف - بحران در صنایع موجود استان بویژه صنایع نساجی و تعطیلی برخی از این صنایع و

کارخانجات که نه تنها زمینه های ایجاد فرصتهای شغلی جدید را فراهم نیاورده، بلکه در

پاره ای از موارد منجر به بیکاری تعدادی از شاغلین موجود نیز گردیده است .(بیکاری

ادواری)

ب - بررسی ما سس میدمد بین بیرمهی برار نار و نوح امورسهی دریعی ساسب درم

وجود نداشته بنابراین عمدتا فارغ التحصیلان جویای کار با عدم تقاضا در بازار کار از

سوی بخش های مختلف اقتصادی روبرو می شوند از طرفی بخش عمده ای از فارغ

التحصیلان تمایل به انجام کارهای غیر یدی داشته که عرضه کننده اصلی این نوع مشاغل

نیز عمدتا سازمانها و مراکز دولتی بوده که این بخش ، هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ

سیاستهای حاکم ، توانایی جذب آنها را نداشته است در مجموع ورود فارغ التحصیلان با

ویژگیهای خاص خود به بازار کار ، سبب خالی ماندن برخی از مشاغل و در نتیجه

افزایش نرخ طبیعی بیکاری شده است.

ج- وجود خشکسالیهای پی درپی و رکود در فعالیتهای ساخت و ساز که باعث بیکاریهای

فصلی در استان گردیده است.

یکی از راهکارهای کاهش بیکاری ادواری و طبیعی استفاده از سیاستهای پولی و مالی مناسب

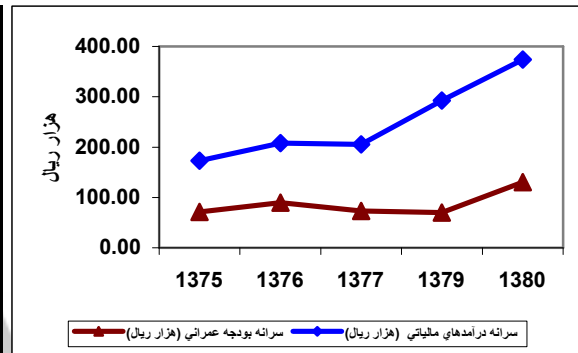
از جمله افزایش اعتبارات عمرانی و تسهیلات بانکی (مخارج دولت) و جهت دهی مناسب به آن و

همچنین تعدیل نرخ مالیات می باشد. به نظر می رسد اعمال مدیریت کارآمدتر و نظارت بیشتر بر

منابع و مصارف و تلاش در جهت افزایش سهم اعتبارات عمرانی استان بتواند در رونق اقتصادی و

کاهش نرخ بیکاری مؤثر گردد. (نمودار شماره ۳-۱)

	()	()
1375	71.39	101.32
1376	89.39	118.64
1377	73.41	132.16
1379	69.67	222.95
1380	130.44	243.74



۲- بررسی های این تحقیق نشان می دهد بیشترین میزان کاهش نرخ فعالیت مربوط به کاهش فعالیت زنان بوده و از طرفی با توجه به بالا بودن ضریب شهرنشینی استان و کاهش نرخ فعالیت در این بخش می توان نتیجه گرفت که عمده ترین دلیل کاهش نرخ فعالیت استان مربوط به زنان شهری می باشد و از جمله دلایل اصلی آن می توان به افزایش نرخ پوشش تحصیلی ، گرایش به آموزش عالی (افزایش تعداد محصلین)، افزایش ورود دانشجویان غیربومی ، افزایش زنان خانه دار و افراد دارای درآمد بدون کار اشاره نمود .

۳- نتایج این تحقیق نشان می دهد که بیکاری شهری ، بیشترین تاثیر را در افزایش نرخ بیکاری استان داشته و از دلایل عمده آن ، بحران در صنعت استان ، بروز خشکسالی ، ورود قشر تحصیلکرده به بازار کار ، برخورد نامناسب با بازار کار بخش غیر رسمی ، مهاجرت روستاییان به شهر و می باشد .

علی رغم اینکه دلایل و فرضیات متعددی در زمینه نوسانات نرخ فعالیت و بیکاری استان

مورد بحث و بررسی قرار گرفت ، اما گروه تحقیق نتوانسته است ارتباط منطقی بین افزایش

نرخ بیکاری و کاهش همزمان نرخ فعالیت ، آن هم به میزان قابل توجه ، پیدا نماید.

با توجه به نتایج حاصل شده از این بررسی و در نظر گرفتن وضعیت فعلی اقتصاد جهانی و

ایران راهکارهای زیر جهت بهبود وضعیت بازار کار استان پیشنهاد می گردد:

۱- ایجاد مراکز اطلاع رسانی بازار کار :اطلاع رسانی باید به نحوی صورت پذیرد که

کلیه اقشار جامعه اعم از زن و مرد ، شهری و روستایی ، کارگر و کارفرما به طور

مناسب بتوانند از آخرین اخبار و اطلاعات مربوط به بازار کار و فرصتهای شغلی

موجود آگاهی پیدا کنند.این امر ضمن کاهش دوره بیکاری و تماس دائم بیکاران

با بازار کار می تواند سبب اصل شایسته گزینی شود .

۲- استفاده از فرصتهای شغلی خارج از استان : استفاده بهینه از فرصتهای شغلی موجود

و مناسب در دیگر استانها و حتی طرحهای ملی ضمن کاهش بیکاری می تواند

زمینه تربیت نیروهای زبده و کارآمد را برای استان فراهم نماید.

۳- بررسی کارشناسانه و دقیق وضعیت صنایع بزرگ استان :به نظر می رسد بررسیهای

دقیق در زمینه تعداد اشتغال ، امکان افزایش اشتغال ، تعداد شیفتهای کاری ،

امکان آترایس سیعها ، اسعدده بهیهه ار صرصیههه می وجود در اررباط با صصاع

بزرگی همچون فولاد و صنایع پایین دست آن ، چادر ملو ، ذوب روی ، نساجی

غدیر، سیمان و انرژی اتمی و ... می تواند ضمن افزایش بهره وری و ارزش

افزوده در رفع معضل بیکاری استان موثر باشد. (انجام یک طرح تحقیقی و آماری

در مورد وضعیت و نحوه عملکرد صنایع استان ، می تواند ضمن کمک به بهبود

وضعیت بازار کار استان ، زمینه را جهت سیاستگذاری و برنامه ریزیهای بهینه

فراهم نماید.)

۴- اتخاذ سیاستها و راهکارهای اجرایی مناسب در جهت اشتغالزایی: اتخاذ راهکارهای

اجرایی مناسب در زمینه توزیع وامهای خود اشتغالی و در اختیار گذاشتن

تسهیلات که مبتنی بر اصول علمی و تجربیات موفق سایر کشورها باشد می

تواند ضمن جلوگیری از اتلاف منابع و سرمایه های کلان مالی و انسانی ، زمینه

ایجاد فرصت های شغلی مفید و دائمی را فراهم نماید.

۵- سرمایه گذاری جهت ایجاد و بهسازی صنایع مزیت دار: با توجه به وضعیت فعلی

اقتصاد جهانی به نظر می رسد سرمایه گذاریهای جدید اگر در زمینه صنایع مزیت

دار و تحول زا صورت پذیرد می تواند مسئله اشتغال استان را برای مدتهای

طولانی حل و فصل نماید.

۶- توجه به گسترش مشاغل علمی و خدمات برتر: گسترش و توسعه مشاغل جدید و

برتر همچون IT ، تحقیقات ، مشاوره و مهندسی ، مشاغل مرتبط با گردشگری و

نوریسم و... گروه بر تخصصی سدن مساعل و بهبود نیعیب و اعرایس نارای

، کاهش دوره بیکاری (دسترسی آسانتر و سریعتر فارغ التحصیلان به مشاغل مورد

علاقه) و اقتصادی شدن بحث آموزش بویژه آموزش عالی در جامعه را به همراه

خواهد داشت .

۷- گسترش نظام بیمه و تامین اجتماعی : بسط و گسترش نظام بیمه و تامین اجتماعی در

بین کلیه اقشار جامعه سبب کاهش حضور کودکان و افراد بازنشسته در بازار کار

خواهد شد . در کشور و بالطبع استان یزد تعداد قابل توجهی از بازنشستگان

مجددا در جاهای دیگر مشغول به کار شده اند در صورتیکه دریافتی این گروه

برای تامین سطح زندگیشان ترمیم شود و همچنین مزیت ها و امتیازات اقتصادی

و اجتماعی خاصی مانند پرداخت های کمتر جهت استفاده از خدمات و اماکن

دولتی برای آنها در نظر گرفته شود . به خودی خود از اشتغال مجدد بخشی از این

گروه کاسته و به تبع آن فرصتهای شغلی جدید برای متقاضیان جوان و جویای

کار ایجاد خواهد شد .

۸- محدودیت استفاده از نیروی کار خارجی و جایگزینی تدریجی آنها با نیروی کار

بومی : با توجه به وجود تعدادی از کارگران خارجی در مشاغل سخت و طاقت

فرسا نظیر کوره های آجر پزی ، راهسازی و ساختمان و همچنین برخی از پست

های تخصصی صنایع کوچک و بزرگ ، به نظر می رسد در صورت رعایت

حداقل استانداردهای سلامت کار و بهینه سازی مشاغل فوق به نحوی که برای

بیماران جویدی نار بومی بیر جادب بردد ، می توان در سامس برح بیماری ار

طریق جایگزینی کارگران بومی اقدام نمود .

۹- بررسی زمینه های جذب سرمایه های داخلی و خارجی :تحولات بین المللی و

بحث تجارت جهانی و همچنین وجود ظرفیتهای بالقوه و بالفعل داخلی نظیر راه

آهن بافق - مشهد و اتصال خلیج فارس به کشور های آسیای میانه ، ضرورت

برنامه ریزیهای صحیح و مناسب به منظور جذب سرمایه های داخلی و خارجی

در زمینه های صنعت و بازرگانی را ایجاب می نماید .این موضوع می تواند

ضمن کمک به حل مسئله بیکاری باعث توسعه پایدار و همه جانبه منطقه گردد.

۱۰-گسترش آموزشهای تخصصی و فنی و حرفه ای :از آنجائیکه قسمت عمده ای از

فارغ التحصیلان دانشگاهی و همچنین بیکاران جویدی کار از تخصصهای لازم بی

بهره بوده و یا دارای مهارت کافی برای احراز شغل نیستند لذا برنامه ریزی برای

تربیت نیروی انسانی متخصص فوق العاده مهم به نظر می رسد .آموزشهای

تخصصی و فنی و حرفه ای علاوه بر آماده نمودن افراد جهت تصدی گری

مشاغل خاص و تخصصی کردن اشتغال ، افراد رادر تماس دائمی با بازار کار

قرار داده و آنها را جهت پیدا نمودن کار دلگرم و امیدوار می نماید .

۱۱- اصلاح قوانین مرتبط با بازار کار:بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به بازار کار از

جمله قوانین کار و تامین اجتماعی به نحوی که تامین کننده منافع کار آفرینان و

کاربران بسد می تواند رویی دوباره در بارار نار بحس حیر رسمی ودر بیجه

اشتغال استان ایجاد نماید.

۱۲- **تعدیل و هماهنگی حقوق و دستمزد** : به دلیل عدم هماهنگی بین افزایش نرخ تورم

و دستمزد و حقوق ، درآمد اکثر کارکنان و حقوق بگیران تکافوی زندگی آنها را

نداده و سبب روی آوردن این قشر به کار دیگر (شغل دوم سوم و...) برای تامین

کسری مخارج خود شده است که این امر موجب افزایش بیکاری آشکار خواهد

شد. به نظر می رسد افزایش دستمزد و حقوق حداقل به اندازه نرخ تورم می

تواند تا حدودی از تعداد افراد چند شغله کاسته و زمینه را برای اشتغال افراد

بیکار فراهم سازد .

۱۳- **استفاده بهینه و صحیح از تکنولوژیهای جدید و سرمایه بر در کنار تکنولوژی**

بومی: به دلیل تغییر و تحولات جهانی و اهمیت کاهش هزینه های تولید و

قیمت تمام شده محصولات و کیفیت آنها و استفاده مناسب از تکنولوژیهای نو در

کنار تکنولوژی بومی و نیروی کار موجود(تناسب بین سرمایه و نیروی کار

)جهت رسیدن به اهداف فوق یعنی کاهش قیمت تمام شده و افزایش کیفیت

محصولات تولیدی و رونق بازار کار بسیار ضروری و حیاتی به نظر می رسد.

۱۴- **توجه بیشتر به صنایع دستی و روستایی** : کم توجهی به برخی از صنایع دستی و

روستایی نظیر قالی بافی سبب از بین رفتن تعداد زیادی از مشاغل مرتبط با این

امر و در نتیجه کاهش درآمد خانوارهای روستایی وحاشیه شهرها گردیده است

.توجه جدی بر به این صنعت و ایجاد صنایع نوچ و جدید در روساها ممانند

صنایع بسته بندی و فراوری محصولات کشاورزی و دامی و...و تشویق و

حمایت از کشاورزان به استفاده از روشهای نوین نظیر آبیاری قطره ای و کشتهای

گلخانه ای ، اصلاح فرهنگ ساختار مالکیت زمین و کار و ... می تواند به

بازسازی و توسعه روستاها و بازگشت تعداد قابل توجهی از مهاجرین روستایی

منجر گردد.

در پایان پژوهشگران معتقدند از آنجاییکه طبق نظریات و تئوریهای علمی ، تابع تقاضای

نیروی کار مشتق تابع تولید است به عبارتی دیگر

$$Y=f(N,K)$$

لذا جهت افزایش تقاضای نیروی کار و بهبود وضعیت بازار کار بایستی ضمن کاهش نرخ بهره به

طور اساسی به بازسازی و بهسازی بحث تولید استان پرداخته شود و این مهم جز با ایجاد و

بازسازی صنایع مزیت دار و تحول زا و احیاء نقش بازرگانی و تجاری استان تحقق نخواهد یافت و

صرف ایجاد شغل به هر طریق ممکن با توجه به تحولات جهانی و ملی نه تنها چالش بیکاری استان

را حل نمی کند بلکه در آینده استان را با مشکلات بیشتری مواجه خواهد نمود .

منابع و مآخذ:

- جولی ، ریچارد و دیگران .ترجمه احمد خزاعی (۱۳۶۸)، اشتغال در جهان سوم : مسائل و استرژژی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه

-امین زاده ،فرخ، جمعیت شناسی کار، انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۸

-زیاری ، کرامت ... ،بررسی ساختار اشتغال زنان ومردان درنقاط شهری وروستایی کشوروآینده

نگری آن، ۱۳۸۲

- فرجی ، یوسف (۱۳۷۵) ، اقتصاد کلان (۱) ، انتشارات کویر

-گروه مولفان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳

علویون ،محمد رضا، کارزنان درحقوق ایران وحقوق بین المللی کار، انتشارات روشنگران ومطالعات زنان، تهران، ۱۳۸۱

- سازمان برنامه و بودجه استان یزد ، آمارنامه استان یزد سالهای مختلف ، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان یزد

- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد ، سالنامه آماری استان یزد سالهای مختلف ، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد

- گزارش نشست کارشناسان ارشد دفتر بین المللی کار درباره اشتغال .ترجمه عزیز کیاوند (۱۳۶۵) ، اشتغال وفقردر جهانی پراشوب ، انتشارات سازمان برنامه و بودجه

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید

یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

- مرکز آمار ایران (۱۱۲۱) ، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۱۲۵ ، انتشارات

مرکز آمار ایران

- مرکز آمار ایران ، آمارگیری از ویژگیهای اشتغال و بیکاری خانوار سالهای مختلف ، انتشارات

مرکز آمار ایران

- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری کشور سالهای مختلف ، انتشارات مرکز آمار ایران

و سایتهای:

www.dbase.ir

www.aftabT.ir

www.noormags.com

www.alef.ir

www.karafarin.sharif.edu

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title: بیکاری معضل فزاینده ایران
Subject:
Author: Your User Name
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:19:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: H.H
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/18/2012 11:19:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 116
Number of Words: 16,930 (approx.)
Number of Characters: 96,502 (approx.)